

محمد مهدی کافی


بسم الله الرحمن الرحیم

دیار سجده : چهل حدیث از سیره سیدالساجدین در سفر به بیت الحرام

نویسنده:

محمدمهدی کافی

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دیار سجده : چهل حدیث از سیره سیدالساجدین در سفر به بیت الحرام

مشخصات کتاب

سرشناسه:علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق.

عنوان و نام پدیدآور:دیار سجده : چهل حدیث از سیره سیدالساجدین در سفر به بیت الحرام / محمدمهدی کافی .

مشخصات نشر:قم : موسسه پیام امام هادی(ع) ، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری:۹۶ ص.؛ ۵/۱۱×۲۰ س م.

شابک:۱۵۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۸۳۷-۲۸-۷

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:کتابنامه : ص. ۹۵ - ۹۶ ؛ همچنین به صورت زیرنویس .

موضوع:علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- احادیث

موضوع:حج -- احادیث

شناسه افزوده:کافی، محمدمهدی، ۱۳۴۸ -، گردآورنده

شناسه افزوده:موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره:BP۴۳/۲/ک۲ د۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۵۴

شماره کتابشناسی ملی:۲۰۲۴۵۸۲

ص :۱

اشاره

دیار سجده

چهل حدیث از سیره سید الساجدین

در سفر به بیت الله الحرام

ص :۲

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به پیشگاه:

اشاره

برگزیده دو جهان حضرت محمد صلی الله علیه و آله

مظلوم عالم حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام

همسر مظلومه اش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

و فرزندان ایشان أئمه معصومین علیهم السلام به ویژه آخرین آنها حضرت حجه بن الحسن المهدی علیه السلام

«اللهم عجل فرجه، واجعلنا من انصاره، وامنن علینا برضاه»

فهرست

ص:۵

فهرست

فهرست

فهرست

ص:۸

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم:

مَنْ حَفِظَ عَلی أُمَّتی أَربَعینَ حَدیثاً مِمّا یَحْتاجُونَ إِلَیهِ فی أَمرِ دینِهِمْ بَعَثَهُ اللّهُ عزّ وجلّ یَومَ القِیامَهِ فَقیهاً عالِماً(۱) ؛

سخنان معصومین علیهم السلام راهگشا و رساننده انسانها به تکامل و سعادت ابدی است. حفظ این سخنان و احادیث و رساندن آن به دیگران در سخنان پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام، مورد تشویق قرار گرفته است، در حدیثی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، برای افرادی که گفتار آن حضرت را حفظ کرده و بدون تحریف به دیگران انتقال دهند، دعا نموده اند.(۲) محافظت از سخنان معصومین علیهم السلام حتی به وسیله افرادی که به زوایای سخنان آن

۱- (۱)) اربعین شیخ بهائی، ص ۶۵؛ خصال، ص ۵۴۱ ح ۱۵؛ ثواب الاعمال، ص ۱۶۲ ح ۱.

۲- (۲)) کافی، ج ۱، ص ۴۰۳ ح ۱ و ۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸۴ ح ۲۳۰.

بزرگان آگاه نباشند نیز کاری لازم است، چه بسا کسی که سخن معصوم را در حافظه دارد و آن را به شخصی آگاه تر انتقال می دهد. و او عمق زوایای سخن آن حضرت را در می یابد و نتیجهٔ مورد نظر را از آن به دست می آورد.

به گفتهٔ مرحوم شیخ بهائی، بعید نیست که منظور از تعبیر حفظ که در این احادیث استفاده شده است، جلوگیری از نابودی باشد، که هم حفظ در سینه و هم نوشتن و هم گفتن حدیث در میان مردم را در بر گیرد(۱).

از سوی دیگر عدد چهل در معارف دینی ما عددی است که مورد عنایت بوده، و به نوعی بر کامل بودن دلالت دارد. در سخنان معصومین علیهم السلام محافظت از احادیث با عدد چهل نیز مورد تشویق قرار گرفته است.

یکی از همین سخنان حدیثی صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند: کسی که برای امت من چهل حدیث - که در دین به آنها نیاز دارند - را حفظ کند خدای عزّ وجلّ روز قیامت او را فقیه و دانشمند مبعوث می نماید.

بر همین اساس تدوین مجموعه های چهل حدیث از ابتدا مورد عنایت علمای اسلام بوده است، و در رتبه های پایین تر

۱- (۱)) اربعین شیخ بهائی، ص ۶۵-۶۷.

نیز مجموعه های اربعین حـدیث تدوین یافته اند که این مجموعه ها با نگرش های گوناگون و موضوعات مختلف جمع آوری شده اند.

چهل حدیث جمع آوری شده در این مجموعه؛ سخنان، سیره، و آداب، از معصوم ششم امام سجاد علیه السلام پیرامون حج می باشد، که امید است مورد استفاده و بهره گیری راهیان دیار سجده و سالکان حریم الهی قرار گیرد.

پیش از شـروع سخنی کوتاه دربارهٔ حج از دید معصومان علیهم السلام و دربارهٔ پیشوای چهارمین امام سجاد علیه السلام تقدیم می گردد.

حج عبادتی جامع

حج در میان عبادات، عبادتی جامع و دربردارندۀ منافعی مادی و معنوی برای حج گزار است «لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ».(۱) مناسک حج برخی عبادات دیگر را به همراه دارد و این عبادت هر دو بعد فردی و اجتماعی انسان را در بر می گیرد یعنی افزون بر توجه به امور معنوی و ساخته شدن حج گزار، در این عبادت به زندگی دنیائی مسلمانان نیز توجّه شده است. این نگرش عرصه های مختلف، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و... جامعه مسلمانان را دربر می گیرد.

حج یکی از ارکان پنجگانه ای است که بنیان اسلام بر آن نهاده شده است.(۲) حج میهمانی خداوند است، و حاجی میهمان، هر چه از خداوند بخواهد به او عطا می کند، دعایش را مستجاب، و شفاعت او درباره دیگران را می پذیرد.(۳) حج و عمره دو بازار آخرتی هستند.(۴) حج آرامش بخش دلهاست.(۵)

۱- (۱)) حج: ۲۸.

۲- (۲)) کافی، ج ۲، ص ۱۸ ح ۵.

۳- (۳)) کافی، ج ۴، ص ۲۵۵ ح ۱۴.

۴- (۴)) کافی، ج ۴، ص ۲۶۰ ح ۳۵.

۵- (۵)) امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۰۲ و بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۲ ح ۸.

حج و عمره سبب سلامتی جسم و وسعت روزی است.(۱) حج سبب رحمت الهی و رسیدن به بهشت اوست. و حج امتحانی الهی است که بندگان با سختی ها آزموده می شوند و با ناخوشی ها امتحان می گردند، تا تکبر از درون آنان خارج و تذلل در دلهایشان جایگزین شود، و این سبب باز شدن درهای فضل الهی و راههای هموار بخشش او می باشد.(۲) حج را خداوند نشانه تواضع در برابر عظمت خود و اقرار به شکست ناپذیری اش قرار داد و عده ای از بندگان خود را از پاسخ دهندگان دعوتش معین نمود، تا آنان پا به جای انبیا گذارند و به فرشتگانی که گرداگرد عرش خداوند می گردند شبیه شوند، در تجارتکدهٔ عبادت حق، سود کسب نمایند و در وعده گاه بخشش او پیشی گیرند.(۳)

پیشوای چهارم

امام علی بن الحسین علیه السلام، چهارمین امام، فرزند امام حسین علیه السلام، و ملقب به زین العابدین و سجاد می باشند.

۱- (۱)) ثواب الاعمال، ص ۷۰ ح ۳.

۲- (۲)) نهج البلاغه، ص ۳۹۰، خطبهٔ ۱۹۲.

۳- (۳)) نهج البلاغه، ص ۴۰، خطبهٔ ۱.

مادر آن حضرت سلامه یا شهربانویه(۱) ، دختر یزدگرد بوده است. آن حضرت در پنجم شعبان سال ۳۸ هجری دیده به جهان گشود.(۲) القاب: زین الصالحین، وارث علم النبیین، وصی الوصیین، خازن وصایا المرسلین، خاشع، زاهد، عابد، عادل، بکاء، امام الأُمه، ابوالأئمه، ذُو الثفنات، سجاد، سید العابدین و زین العابدین و... برای آن حضرت علیه السلام ذکر شده است.(۳) از کنیه های آن حضرت، ابوالحسن، ابو محمد و ابوالقاسم می باشد.(۴) امام باقر علیه السلام فرمود: در سجده گاههای پدرم آثار برجسته ای بود، و او در سال دو بار آنها را بر می داشت که در هر بار پنج برآمدگی برداشته می شد، به همین سبب او را ذوالثفنات(۵) می نامیدند. (۶)

۱- (۱)) کافی، ج ۱، ص ۴۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۳ ح ۲۵.

۲- (۲)) . کافی، ج ۱، ص ۴۶۶. نقل های دیگری نیز سالهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۰ و ۳۳ نیزگفته شده است.

۳- (۳)) . مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵ و بحارالانوار، ج ۴۶ ص ۴ ح ۵.

۴- (۴)) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷۵؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۴ ح ۵.

۵- (۵)) . ثفنه: جاهایی از اعضا که روی زمین قرار می گیرد و ضخیم شده و پینه می بندد، مانند زانوها و پیشانی هنگام سجده بر مُهر، ذوالثفنات: صاحب پینه ها.

۶- (۶)) علل الشرایع، ص ۲۳۳ ب ۱۶۷ ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۴۶ ص ۶ ح ۱۲.

و همچنین فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام هرگاه یکی از نعمتهای خدا بر خود را به یاد می آورد، به سجده می افتاد، و هرگـاه آیه ای از کتـاب خداونـد عزّ وجـلّ که در آن ذکر سـجده ای شـده بود تلاوت می نمود، سـجده می کرد. و هرگـاه خداونـد عزّ وجـلّ بـدی یـا فتنـهٔ دسـیسه گری را از او دفع می کرد، سـجده می کرد، و هرگاه از نماز واجب فراغت می یافت، سجده می کرد.

و هرگاه بر آشتی دادن دو طرف دعوا موفق می شد، سـجده می کرد و اثر سـجده در تمامی سجده گاههایش نمایان بود. برای همین سجّاد نام گرفت.(۱) آن حضـرت علیه السلام به سبب گریه فراوانش بَکّاء لقب گرفت، و از پنج نفری که در عالم بسیار گریسـتند شـمرده شده است. پس از حادثه کربلا آنقدر گریست که از روی شفقت و مهربانی اطرافیان، مورد اعتراض قرار می گرفت.(۲) امام محمـد باقر علیه السـلام فرمود: علی بن الحسـین علیه السـلام هر شـبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد - مانند امیر المؤمنین علیه السـلام، پانصـد اصـله نخـل کاشـته بود، کنـار هر نخـل دو رکعت نمـاز می خوانـد - هرگاه برای نماز برمی خواست رنگش تغییر می کرد، در نماز، مانند بنده ذلیلی که در برابر پادشاه با جلالتی ایسـتاده است می ایستاد. اعضای بدن او از ترس خدا می لرزید.

نمازش نماز کسی بود که زندگانی را وداع می گوید، گویا می دید

ص:۱۵

۱- (۱)) علل الشرایع، ص ۲۳۲ ب ۱۶۶ ح ۱، بحارالانوار، ج ۴۶ ص ۶ ح ۱۰.

۲- (۲)) خصال، ص ۲۷۲ باب الخمسه ح ۱۵؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۹ ح ۲.

که پس از این، هیچ گاه نماز نمی خواند. روزی در هنگام نماز، عبا از شانه او افتاد، آن را مرتب نکرد و به نماز ادامه داد، پس از پایان نماز، یکی از یاران علت را جویا شد، امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، آیا نمی دانی در برابر چه کسی بودم؟ تنها آن مقدار از نماز بنده مورد پذیرش است که با حضور قلب باشد. آن شخص گفت (پس ما): نابود شدیم، حضرت فرمود: خداوند نمازها را با نوافل جبران می نماید.(1) امام سفرهای متعددی به بیت اللّه داشته است، در برخی از نقلها بیست سفر و در برخی دیگر چهل سفر آمده است.

انجام مناسک حج از سوی آن حضرت علیه السلام، نمایش روح و باطن و اسرار حج بود و سخنان و ارشادات آن امام در جهات مختلف، هدایت جامعه اسلامی و پیشگیری آن از انحراف را به دنبال داشت.

معرفی امامت و حفظ شیعیان از خطر گمراهی و افتادن در دام نحله های مختلف، از جمله این هدایتگری ها بود.

آن حضرت در سال ۹۵ هجری(2) ، به دست ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید، و در کنار عموی گرامیش حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، در بقیع(3) مدفون شد.

۱- (۱)) خصال، ص ۵۱۷ ذکر ثلاث وعشرین خصله؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۱ ح ۱۹.
۲- (۲)) . کافی، ج ۱، ص ۴۶۸ ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۷۷؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۳۷.
۳- (۳)) کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱ ح ۱۰.

فصل اول: سیرهٔ امام سجاد علیه السلام در سفر

اشاره

ص:۱۷

(۱)

استخاره برای سفر

برای انجام کارهای مهم، استخاره سفارش شده است. استخاره خیره خواستن از خداوند است یعنی فرد از خدا می خواهد که آنچه خیر و خوبی او در آن است از سوی خداوند به وی نمایانده شود.

در جایی که کار مهمی برای شخص در پیش است و دو دلی و تشویش در میان است، استخاره انجام می شود. استخاره به صورت های گوناگون انجام می گیرد؛ یکی از صور آن خواندن دو رکعت نماز و خیر خواستن از خداوند است در سیره امام سجاد علیه السلام استخاره برای سفر حج و عمره گزارش شده است:

ص:۱۸

عَنِ الإمامِ الباقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قالَ:

کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ زَینُ العابِدِینَ علیه السلام إذا هَمَّ بِحَجٍّ أَو عُمْرَهٍ أَو بَیعٍ أَو شِراءٍ أَو عِتقٍ أَو غَیرِ ذلِکَ، تَطَهَّرَ ثُمَّ صَلّی رَکْعَتَینِ لِلإستِخارَهِ یَقْرَأُ فیهِما بَعدَ الفاتِحَهِ سُورَهَ الحَشرِ وَالرَّحمنِ ثُمَّ یَقْرَأُ بَعدَهَا المُعَوِّذَتَینِ وَقُل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ یَفعَلُ هذا فی کُلِّ رَکعَهٍ فَإذا فَرَغَ مِنها قالَ بَعدَ التَّسلِیمِ وَهُوَ جالِسٌ:

اللّهُمَّ إن کانَ کَذا وَکَذا خَیراً لی فی دینی وَدُنیایَ وَآخِرَتی وَعاجِلِ أَمری وَآجِلِهِ فَیَسِّرهُ لی عَلی أَحسَنِ الوُجُوهِ وَأَکمَلِها، اللَّهُمَّ وَإن کانَ شَرّاً لی فی دینی وَدُنیایَ وَعاجِلِ أَمری وَآجِلِهِ فَاصرِفهُ عَنِّی، رَبِّ اعزِم لی عَلی رُشدِی وَإن کَرِهَتْهُ نَفسی(۱) ؛

۱- (۱)) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۴۵ ح ۱۸۸۱ و ج ۲، ص ۱۰۵ ح ۲۳۰۰؛ فتح الأبواب، ص ۱۵۷ الباب السادس؛ بحارالأنوار، ج ۸۸، ص ۲۶۶ ح ۲۰.این استخاره در برخی نقل ها به گونه زیر آمده است که دعای پس از نماز تفاوت دارد. عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال: کان علی بن الحسین علیهما السلام اذا همّ بحج او عمره، او عتق او شراء أو بیع تطّهر وصلّی رکعتی الاستخاره وقراء فیهما سوره (الرحمن) وسوره (الحشر) فاذا فرغ من الرکعتین استخار اللّه مائتی مرّه ثمّ قرا قل هو اللّه احد والمعوذتین، ثمّ قال اللّهمّ انّی هممت بامر علمته فان کنت تعلم انّه خیر لی فی دینی ودنیای وآخرتی فاقدره لی وان کنت تعلم انّه شرّ لی فی دینی ودنیای وآخرتی فاصرفه عنّی یا ربّ اعزم (هب) لی علی رشدی وان کرهت ذلک او احبت نفسی، ببسم اللّه الرّحمن الرّحیم ما شاء اللّه لا حول ولا قوّه إلّاباللّه حسبی اللّه ونعم الوکیل، ثمّ یمضی ویعزم.

امـام بـاقر عليه السـلام فرمود: روش امـام سـجاد عليه السـلام اين بود كه هرگاه تصـميم به سـفر حـج يا عمره مى گرفت، يا مى خواست چيزى بخرد و يـا بفروشـد، و يا بنـده اى را آزاد كنـد يا كارى ديگر، وضو مى گرفت و دو ركعت نماز براى اسـتخاره مى گزارد و در (هر) دو ركعت (پس از حمد) سورهٔ حشر و سورهٔ الرحمن مى خواند.

سپس سورهٔ قـل هو اللّه احـد و قـل اعوذ بربّ الناس و قل اعوذ بربّ الفلق را مى خوانـد، در هر دو ركعت اين كار را انجام مى داد، پس از پايان نماز و دادن سلام در حالى كه نشسته بود مى گفت:

خداوندا اگر مى دانى فلان و فلان كار براى دين و دنيا و آخرت من و اكنون و آيندهٔ من خير است آن را براى من به بهترين و كامـل ترين صورتهـا آسـان گردان و خـدايا اگر اين كار براى دين و دنيا و اكنون و آينـدهٔ من بـد است آن را از من دور كن. خدايا بر آن چه هدايت من در آن است برايم تصميم بگير اگرچه خودم خوش نداشته باشم.

ص:۲۰

(۲)

توشهٔ سفر

توشه و آذوقه سفر به مناسبت هر سفری متفاوت است، امام سجاد علیه السلام در سفر حج و عمره برای برداشتن توشه، مراقب انجام دستورات الهی بود:

کانَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام إِذا تَجَهَّزَ إِلی مَکَّهَ قالَ لِأَهلِهِ:

إِیّاکُم أَن تَجعَلُوا فی زادِنا شَیئاً مِنَ الطِّیبِ وَلاَ الزَّعفَرانِ نَأکُلهُ أَو نُطعِمهُ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام هنگامی که برای رفتن به مکه آماده می شد به خانواده اش می فرمود: مبادا در توشه ما چیزی از عطر و یا زعفران قرار دهید که آن را بخوریم و یا برای خوردن به دیگران بدهیم.

ص:۲۱

۱- (۱)) من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۳۵۰ ح ۲۶۶۲.

(۳)

بهترین توشه ها

كـانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَـینِ علیه السـلام إِذا سـافَرَ إِلی مَكَّهَ لِلحَـجِّ أَوِ العُمرَهِ تَزَوَّدَ مِن أَطیَبِ الزّادِ مِنَ اللَّوزِ وَالسُّكَّرِ وَالسَّویقِ المُحَمَّضِ وَالمُحَلَّی(۱) ؛

امام سـجاد علیه السلام هنگام مسافرت به مكه برای حج و عمره از بهترین توشه ها [مثل] بادام و شكر و كلوچه های سرخ شده و شیرین با خود برمی داشت.

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۲ باب الزاد فی السفر؛ كافی، ج ۸، ص ۳۰۳ ح ۴۶۸؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۰ ح ۲ ب ۴۲ ابواب آداب السفر إلی الحج وغیره؛ مكارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۳۹ ح ۱۸۷۱.

(۴)

خرید لوازم

کانَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ زَینُ العابِدِینَ علیه السلام یَقُولُ لِقَهرَمانِهِ:

إِذا أَرَدتَ أَن تَشْتَری لِی مِن حَوائِجِ الحَجِّ شَیئاً فَاشتَرِ وَلا تُماکِس(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام به مسئول انجام کارهایش می فرمود: هنگام خرید وسایل مورد نیاز حج برای من، خرید کن و چانه نزن.

همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: لا تُماکِس فی أَربَعَهِ أَشیاءَ فی الاُضْحِیَّهِ وَفی الکَفَنِ وَفی ثَمَنِ نَسَمَهٍ وَفی الکِرَی إِلی مَکَّهَ(۲) ؛

در خرید چهار چیز چانه نزن؛ در خرید قربانی حج و خرید کفن و خرید بنده و کرایه برای رفتن به سوی مکه.

ص:۲۳

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۷ ح ۳۷۴۷؛ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۶۵ ح ۱۹۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳۵، ح ۱ ب ۴۶، ابواب آداب التجاره.

۲- (۲)) من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۷ ح ۳۷۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳۶ ح ۳ باب ۴۶ ابواب آداب التجاره.

سوار شدن به وسیلهٔ نقلیه

عَن زَینِ العابِدِینَ علیه السلام قالَ:

ما قَرَأ أحَدٌ إنّا أَنزَلناهُ حِینَ یَرکَبُ دابَّةً إلّا نَزَلَ مِنها سالِماً مَغفُوراً لَهُ وَلَقارِئُها أَثقَلُ عَلَی الدَّوابِّ مِنَ الحَدیدِ(۱) ؛

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: کسی که هنگام سوار شدن بر مرکب (وسیلهٔ نقلیه)، سورهٔ انّا انزلناه را بخواند، به سلامت و با بخشش گناهان از مرکب پیاده خواهد شد، و خواننده آن بر روی مرکب سنگین تر از آهن خواهد بود.

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۹ ح ۳ ب ۲۴، أبواب آداب السفر الی الحج وغیره؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۹ ح ۱۸۰۷.

حج با پای پیاده

علیّ بن الحسين عليه السلام: قالَ:

لَو حَجَّ رَجُلٌ ماشِياً فَقَرَأ إِنّا أَنزَلناهُ ما وَجَدَ أَلَمَ المَشْيِ(۱) ؛

کسی که پیاده حج به جا می آورد اگر سوره انّا انزلناه را تلاوت کند درد پیاده روی را احساس نمی کند.

حَجَّ عَلِيُّ بن الحُسَينِ عليهما السلام ماشِياً فَسارَ عِشْرينَ يَوْماً مِنَ المَدينَهِ إلى مَكَّه(۲) ؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: امام سجّاد علیه السلام پیاده حج گزارد و از مدینه تا مکّه را بیست روز پیمود.

ص:۲۵

۱- (۱)) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۸ ح ۱۸۰۶.

۲- (۲)) وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۵۶ ح ۱۱ ب ۳۲ أبواب وجوب الحج وشرائطه.

مرکب حج

اشاره

عَنِ الصّادِقِ علیه السلام قالَ: قالَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام - لِابنِهِ مُحَمَّد علیه السلام حینَ حَضَرَتهُ الوَفاهُ -:

إنّی قَد حَجَجتُ عَلی ناقَتی هذِهِ عِشرِینَ حَجَّهً، فَلَم أَقرَعها بِسَوطٍ قَرعَهً فَإذا نَفَقَت فَادفِنها، لا یَأْکُلْ لَحمَهَا السِّباعُ، فَإنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قالَ کُلُّ بَعیرٍ یُوقَفُ عَلَیهِ مَوقِفَ عَرَفَه سَبعَ حِجَجٍ إلّا جَعَلَهُ اللّهُ مِن نَعَمِ الجَنَّهِ وَبارَکَ فی نَسلِهِ، فَلَمّا نَفَقَت حَفَرَ لَها أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَدَفَنَها(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام هنگام رحلت به فرزندشان امام باقر علیه السلام فرمودند: من بر این شتر خود بیست حج به جا آوردم، یک تازیانه هم به آن نزدم. هنگامی که مُرد آن را دفن کن تا گوشت او طعمه درندگان نشود، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر شتری که هفت سال در عرفات بر آن وقوف شود خداوند او را از حیوانات بهشتی قرار داده و به نسل او برکت خواهد داد.

ص:۲۶

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۵ ح ۱ باب ۵۱ ابواب احکام الدواب؛ ثواب الاعمال، ص ۷۴ باب نادر ح ۱.

هنگامی که آن شتر مُرد، امام باقر علیه السلام برای آن گودالی حفر کرد و او را دفن نمود.

امام سجّاد علیه السلام می فرمود: إنّ البَعیرَ إذا حجَّ عَلیهِ سَبعَ حَجّاتٍ صیّرَ مِنْ نَعَمِ الجَنَّه(۱) ؛

همانا شتر هنگامی که هفت بار مرکب حج شود از حیوانات بهشتی گردد.

۱- (۱)) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۹ ح ۱۸۰۷.

در راه سفر حج

(۸)

انتخاب همسفران

اشاره

عَن جعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ علیه السلام قالَ:

کـانَ عَلیُّ بنُ الحُسَـینِ علیه السـلام لا یُسافِرُ إلّا مَعَ رِفقَهٍ لا یَعرِفُونَهُ وَیَشتَرِطُ عَلَیهِم أَن یَکُونَ مِن خُـدّامِ الرِّفقَهِ فیما یَحتاجُونَ إلَیهِ، فَسافَرَ مَرَّهً مَعَ قَوم فَرَآهُ رَجُلٌ فَعَرَفَهُ، فَقالَ لَهُم: أَتَدرُونَ مَن هذا؟ قالُوا لا. قالَ: هذا عَلِیُّ بنُ الحُسَـینِ علیه السـلام، فَوَثَبُوا إلَیهِ فَقَبَّلُوا یَـدَیهِ وَرِجلَیهِ فَقالُوا یَا ابنَ رَسُولِ اللّهِ! أَرَدتَ أَن تُصلِیَنا نارَ جَهَنَّمَ، لَو بَـدَرَت إلَیکَ مِنّا یَـدٌ أَو لِسانٌ أَما کُنّا قَد هَلَکنا آخِرَ الدَّهرِ، فَمَا الَّذی حَمَلَکَ عَلی هـذا؟ فَقالَ: إنّی کُنتُ سافَرتُ مَرَّهً مَعَ قَومٍ یَعرِفُونَنی فَاعطَونی بِرَسُولِ اللّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم ما لا أستَحِقُّ، فَأَخافُ أَن تُعطُونی مِثلَ ذلِکَ فَصارَ کِتمانُ أَمری أَحَبَّ إلَیَّ (۱) ؛

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۵ ح ۲ باب ۴۶ أبواب آداب السـفر الی الحج وغیره؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۳ ح ۱۳ باب السبب الذی من أجله قبل علّی بن موسی الرضا علیه السلام ولایه العهد.

امـام صادق علیه السـلام فرمودنـد: امام سـجاد علیه السـلام فقط با کاروانی همراه می شـد که او را نشناسـند، و با آنان قرار می گـذاشت که در احتیاجات آن گروه، خدمتگـذار آنان باشـد. یک بار به همین صورت همراه گروهی مسافرت رفت، شخصـی آن حضرت را دید و شناخت، به گروه گفت: این شخص را می شناسید؟ گفتند:

نه. گفت: این علیّ بن الحسین علیه السلام است، آنان از جای پریدند و دست و پای حضرت را بوسیدند و گفتند: فرزند پیامبر علیه السـلام! می خواستی ما را به آتش جهنم بیفکنی؟ اگر از دست و زبان ما ناخواسـته جسارتی سر می زد آیا ما تا آخر عمر هلاک نبودیم؟ چه چیز شما را بر این کار واداشت؟

امام سـجاد علیه السـلام فرمود: من یک بار با گروهی که مرا می شناختند همسفر شدم، آنان به سبب انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله لطف هـایی در حق من کردنـد که مسـتحق آن نبودم، ترسـیدم اینان نیزماننـد آن الطاف را در حق من انجام دهنـد، بنابر این مخفی کردن نسب خود را بیشتر پسندیدم.

ص:۲۹

معاشرت با همسفران

حالات آدمی در مسافرت با هنگام بودن در شهر و منزل تفاوت دارد، آمیختن با همسفران و انجام برخی کمکها در مسافرت پسندیده تر است، هم چنین خوش طبعی، شوخی های مُجاز و... گرچه این موارد در غیر مسافرت هم نیکوست.

در سفر، گاه به سبب خستگی و یا برخی اتفاقات ممکن است میان همسفران کشمکش هایی پیش آید، به همین سبب برخی از سخنان امام سجاد علیه السلام دربارهٔ معاشرت با دوستان و همسفران در این بخش ذکر می گردد:

(۹)

گذشت

قالَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام: فِی قَولِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِیلَ» (۱)

قالَ: العَفوُ مِن غَیرِ عِتابٍ(۲) ؛

امام سجاد علیه السلام در توضیح آیه (گذشت کن، گذشتی زیبا) فرمودند: یعنی بخشیدن بدون ملامت و عتاب.

۱- (۱)) حجر، ۸۵.

۲- (۲)) امالی صدوق، ص ۲۷۶ ح ۱۴ مجلس الرابع و الخمسون؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۱۹ ح ۷ باب ۱۱۲ ابواب احکام العشره.

(۱۰)

بردباری

عَن عَلیِّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ:

قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: مِن أَحَبِّ السَّبیلِ إِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ جُرعَتانِ، جُرعَهُ غَیظٍ تَرُدُّها بِحِلمٍ وَجُرعَهُ مُصیبَهٍ تَرُدُّها بِصَبرٍ(۱) ؛

امام سجاد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: از دوست داشتنی ترین راهها به سوی خداوند، (نوشیدن) دو جرعه است؛ جرعهٔ خشمی که آن را با بردباری برطرف نمایی، و جرعهٔ مصیبتی که آن را با شکیبایی رد کنی.

(۱۱)

زیبا سخن گفتن

عَن عَلیِّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ:

القَولُ الحَسَنُ یُثرِی المالَ وَیُنمِی الرِّزقَ وَیُنسأُ فِی الأَجَلِ وَیُحَبِّبُ إِلَی الأَهلِ وَیُدخِلُ الجَنَّهَ(۲) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمودند: نیکو سخن گفتن، دارایی را زیاد می کند و روزی را وسعت می دهد و مرگ را به تأخیر می اندازد و انسان را نزد اهل و عیال محبوب می نماید و به بهشت داخل می کند.

۱- (۱)) کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۹ باب کظم الغیظ؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۲۳ ح ۴ باب ۱۱۴ ابواب احکام العشره.

۲- (۲)) خصال، ص ۳۱۷ ح ۱۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۳۰ ح ۱۶ باب ۱۱۷ ابواب احکام العشره.

فصل دوم: فضیلت هاو پاداشهای حج

اشاره

ص:۳۳

آثار حج و عمره

قالَ عَلیٍّ بن الحُسَین علیه السلام

:حَجُّوا وَاعتَمِرُوا، تَصِحُّ أَبدانُکُم وَتَتَّسِعُ أَرزاقُکُم وَتُکفَونَ مَئُوناتِ عِیالِکُم(۱) ؛

امام علی بن الحسین علیه السلام فرمودند: حج و عمره بجا آورید که بدن هایتان سلامت و روزی های شما گشاده می گردد، و مخارج افراد تحت تکفل شما تأمین خواهد شد.

۱- (۱)) ثواب الأعمال؛ ص ۷۰ ح ۳ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۹ ح ۲۰ ابواب وجوب الحج وشرائطه، این روایت به صورت دیگری نیز ذکر شده است: کان علیّ بن الحُسَین علیهما السلام یقول: حَجُّوا وَاعتَمِرُوا تصح أجسامکم، وتتسع أرزاقکم ویصلح إیمانکم، وتکفوا مؤنه النّاس ومؤنه عیالاتکم؛امام سجاد علیه السلام می فرمود: حج و عمره بجا آورید که بدن های شما سالم، و روزی های شما گشاده، و ایمان شما اصلاح می گردد و مخارج افراد تحت تکفل شما تأمین و از مردم بی نیاز خواهید شد.

حج و بخشش گناهان

قالَ علی بن الحسین علیه السلام

:الحاجُّ مَغفُورٌ لَهُ وَمَوجُوبَ لَهُ الجَنَّهُ وَمُستَأنَفٌ لَهُ العَمَلُ وَمَحفُوظٌ فی أَهلِهِ وَمالِهِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: گناهان حج گزار بخشیده و بهشت بر او واجب می شود، و عمل او از سر گرفته می شود (نامه اعمال بد او پاک می شود و از نو باید شروع کند) و خانواده و اموال او محافظت می گردد.

ص:۳۵

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۲۵۲ ذیل ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵ ذیل ح ۷ باب ۱ ابواب وجوب الحج وشرائطه.از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند: سافروا تصحوا وجاهدوا تغنموا وحجّوا تستغنوا؛ مسافرت کنید سالم می مانید و جهاد کنید غنیمت بدست می آورید و حج به جا آورید بی نیاز می شوید.

پاداش حج گزار

قَدِمَ رَجُلٌ عَلی عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام، فَقالَ: قَدِمتَ حاجّاً فَقالَ: نَعَم.

فَقالَ:

أَتَدرِی ما لِلحاجِّ؟ قالَ: لا. قالَ: مَن قَدِمَ حاجّاً وَطافَ بِالبَیتِ وَصَلّی رَکعَتَینِ، کَتَبَ اللّهُ لَهُ سَبعینَ أَلفَ حَسَنَهٍ وَمَحا عَنهُ سَبعِینَ أَلفَ سَیِّئَهٍ وَرَفَعَ لَهُ سَبعِینَ أَلفَ دَرَجهٍ وَشَفَّعَهُ فِی سَبعِینَ أَلفَ حاجهٍ وَکَتَبَ لَهُ عِتقَ سَبعِینَ أَلفَ رَقَبهٍ قِیمَهُ کُلِّ رَقَبهٍ عَشَرَهُ آلافِ دِرهَمٍ(۱) ؛

شخصی بر امام علی بن الحسین علیهما السلام وارد شد؛ امام علیه السلام به او فرمود: از حج آمده ای؟ گفت: بله، فرمود: می دانی حج گزار چه پاداشی دارد؟ گفت: نه. فرمود: کسی که برای حج وارد مکه شود و به دور کعبه طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، خداوند برای او هفتاد هزار حسنه می نویسد و هفتاد هزار گناه از او پاک می کند، و هفتاد هزار درجه او را بالا می برد، و وساطت او را در مورد هفتاد هزار حاجت، می پذیرد و پاداش آزاد کردن هفتاد هزار برده را که قیمت هر کدام ده هزار درهم است برای او می نویسد.

ص:۳۶

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۴۱۱ باب فضل الطواف؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۹ باب ۲ ح ۲۲ وجوب الحج وفضله وعقاب ترکه.

(۱۵)

اخلاص در انجام حج

عَن عليٌّ بنُ الحُسَينِ علیه السلام:

مَن حَجَّ یُرِیدُ بِهِ وَجهَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ لا یُرِیدُ بِهِ رِیاءً وَلا سُمعَهً غَفَرَ اللّهُ لَهُ البَتَّهَ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که حج را برای خدا انجام دهد و در اندیشه ریا و شهرت نباشد، البته خداوند او را می آمرزد.

(۱۶)

فضیلت شهر مکّه

قالَ عَلیٌّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

الطّاعِمُ بِمَکَّهَ کَالصّائِمِ فِیما سِواها وَالماشِی بِمَکَّهَ فِی عِبادَهِ اللّهِ عزّ وجلّ(۲) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که در مکّه غذا می خورد - و روزه نیست - مانند کسی است که در دیگر شهرها روزه دار است، و کسی که در مکّه راه می رود در حال عبادت خداوند است.

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۹ باب فضائل الحج، ح ۲۲۲۳.

۲- (۲)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷ باب فضائل الحج ضمن ح ۲۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۴۰ ح ۱ ب ۱۵ ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها.

نماز در مکّه

عَن عَلیٍّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

مَنْ صَلَّی بِمَکَّهَ سَبعِینَ رَکعَهً فَقَرَأ فی کُلِّ رَکعَهٍ قُل هُوَ اللّهُ أَحَدٌ وَإِنّا أَنزَلناهُ وَآیَهَ السُّخرَهِ وَآیَهَ الکُرسِیِّ لَم یَمُت إِلّا شَهیداً، وَالطّاعِمُ بِمَکَّهَ کَالصّائِمِ فِیما سِواها وَصِیامُ یَومٍ بِمَکَّهَ یَعدِلُ صِیامَ سَنَهٍ فِیما سِواها وَالماشِی بِمَکَّهَ فِی عِبادَهِ اللّهِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که در شهر مکّه هفتاد رکعت نماز گزارد و در هر رکعت قل هو اللّه احد و انّا انزلناه و آیهٔ سخره(۲) و آیه الکرسی را قرائت کند، شهید از دنیا رود، و کسی که در مکّه روزه نباشد، مانند روزه دار در دیگر شهرهاست و یک روز روزه در مکّه، پاداش یک سال روزه در دیگر شهرها را دارد و کسی که در مکّه راه می رود در حال عبادت خداست.

۱- ((۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۱؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۴۰ ح ۲ ب ۱۵ ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها.

۲- ((۲)) . آیه سخره: آیات ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ سورهٔ مائده است.

(۱۸)

تسبیح در مکّه

قالَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

تَسبِیحَهٌ بِمَکَّهَ أَفضَلُ مِن خَراجِ العِراقَینِ یُنفَقُ فی سَبیلِ اللّهِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: یک تسبیح (سبحان اللّه) در مکّه، از مالیات عراقین(۲) که در راه خداوند انفاق شود برتر است.

(۱۹)

ختم قرآن در مکّه

قالَ عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

مَن خَتَمَ القُرآنَ بِمَکَّهَ لَم یَمُت حَتّی یَرَی رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله وَیَرَی مَنزِلَهُ فِی الجَنَّهِ(۳) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که قرآن را در مکّه ختم نماید نمی میرد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و جایگاه خویش را در بهشت ببیند.

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۸۲ ح ۱ باب ۴۵ از ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۷ باب فضائل الحج ح ۲۲۵۸؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۶۸ باب من الزیادات فی فقه الحج صدر ح ۲۸۶؛ جامع الاخبار، ص ۱۷۶، ح ۴۲۰.

۲- (۲)) منظور از عراقین بصره و کوفه است. (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۴۸)

۳- (۳)) تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۶۸ باب من الزیادات فی فقه الحج ذیل ح ۲۸۶؛ جامع الأخبار، ص ۱۷۶ الفصل الثانی والثلاثون ح ۴۲۱.

(۲۰)

خواب در مکّه

کانَ عَلیٌّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام یَقُولُ:

النّائِمُ بِمَکَّهَ کَالمُتَشَحِّطِ فِی البُلدانِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام می فرمود: شخص خوابیده در مکّه مانند کسی است که در شهرهای دیگر در راه خدا در خون خود غلطیده باشد.

(۲۱)

فضیلت حرم و احترام آن

قیلَ لِلزُّهَریِّ مَن أزهَدُ النّاسِ فِی الدُّنیا؟ قالَ: عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام حَیثُ کانَ، وَقَد قِیلَ لَهُ - فِیما بَینَهُ وَبَینَ مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفِیَّهِ مِنَ المُنازَعَهِ فِی صَدَقاتِ عَلیِّ بنِ أبی طالِبِ علیه السلام -: لَو رَکِبتَ إلَی الوَلِیدِ بن عَبدِالمَلِکِ رَکبَهً لَکَشَفَ عَنکَ مِن غُرَرِ شَرِّهِ وَمَیلِهِ عَلَیکَ بِمُحَمَّدٍ، فَإنَّ بَینَهُ وَبَینَهُ خُلَّهً. قالَ: وَکانَ هُوَ بِمَکَّهَ وَالوَلِیدُ بِها، فَقالَ علیه السلام:

وَیحَکَ أَفِی حَرَمِ اللّهِ أَسأَلُ غَیرَ اللّهِ عزّ وجلّ؟ إنِّی آنَفُ أن أَسأَلَ الدُّنیا خالِقَها، فَکَیفَ أَسأَلُ مَخْلُوقاً مِثلِی؟ وَقالَ الزُّهرِیُ: لا جَرَمَ أَنَّ اللّهَ عزّ وجلّ أَلقَی هَیبَتَهُ فِی قَلبِ الوَلِیدِ حَتّی حَکَمَ لَهُ عَلَی مُحَمَّدِ بنِ الحَنَفیَّه(۲) ؛

۱- ((۱)) محاسن، ج ۱، ص ۱۴۴ ح ۱۴۶ (۱۹۷)؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۸۳ ح ۶ ب ۴۵ ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۸۲ باب فضل مکّه وأسمائها وعللها ح ۳۵.

۲- ((۲)) علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۰ ح ۳ باب العله التی من أجلها سمّی علی بن الحسین زین العابدین؛ بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۷۵ باب أحوال أولاده؛ ج ۴۶ ص ۶۳ باب مکارم أخلاقه وعلمه.

از زهری سؤال شد، پارساترین مردم در دنیا کیست؟ او پاسخ داد: علی بن الحسین علیه السلام هر جا باشد. در رابطه با کشمکشی که بر سر صدقات علی بن ابی طالب میان او و محمّد بن حنفیه بود، به آن حضرت گفتند: اگر یک بار نزد ولید می رفتی از شرّ آشکار خود نسبت به شما و تمایل او به محمّد و ضدیّتش با شما دست بر می داشت، زیرا میان او و محمّد دوستی ویژه هست. زهری گفت امام علیه السلام - که در مکه بود و ولید هم در مکّه - فرمود: وای بر تو! آیا در حرم الهی از غیر خدا چیزی درخواست نمایم؟ من از اینکه دنیا را از آفریننده اش درخواست کنم خودداری می کنم، آنگاه چگونه آن را از مخلوقی مانند خود درخواست نمایم؟ زهری گوید: ناگزیر خداوند عزّ وجلّ هیبت آن حضرت علیه السلام را در دل ولید افکند و او به نفع امام علیه السلام و بر علیه محمّد حنفیّه حکم صادر نمود.

فضیلت سعی

قالَ عَلِیٌّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

السّاعِی بَینَ الصَّفا وَالمَروَهِ تَشفَعُ لَهُ المَلائِکَهُ فَتُشَفَّعُ فِیهِ بِالإِیجابِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: برای سعی کننده میان صفا و مروه، فرشتگان شفاعت می کنند، و دربارهٔ او این شفاعت پذیرفته می شود.

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸ باب فضائل الحج ح ۲۱۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۲ ح ۹ ب ۱ ابواب السعی.

(۲۳)

فضیلت شام عرفه

قالَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

أَما عَلِمتَ أَنَّهُ إِذا کانَ عَشِیَّهُ عَرَفَه، بَرَزَ اللّهُ فی مَلائِکَتِهِ إِلَی سَماءِ الدُّنیا ثُمَّ یَقُولُ: انظُرُوا إِلَی عِبادِی، أَتَونِی شُعْثاً غُبْراً، أرسَلتُ إِلَیهِم رَسُولاً مِن وَراءَ وَراءَ، فَسَأَلُونی وَدَعَونِی أُشهِدُکُم أَنَّهُ حَقٌّ عَلَیَّ أَن أُجِیبَهُمُ، الیَومَ قَد شَفَّعتُ مُحسِنَهُم فِی مُسِیئِهِم وَقَد تَقَبَّلتُ مِن مُحسِنِهِم فَأفیضُوا مَغفُوراً لَکُمْ، ثُمَّ یَأمُرُ مَلَکَینِ فَیَقُومانِ بِالمَأزِمَینِ هذا مِن هذَا الجانِبِ وَهذا مِن هذَا الجانِبِ، فَیَقُولانِ اللّهُمَّ سَلِّم سَلِّمْ، فَما یَکادُ یُرَی مِن صَرِیعٍ وَلا کَسِیرٍ(۱) ؛

ص:۴۳

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵ ح ۱۲ ب ۱۹ ابواب احرام الحج والوقوف بعرفه؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۴ باب ۴۷ ح ۲۳؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۶۰ مجلس فی ذکر فضائل الحج و....

امـام سـجاد علیه السـلام فرمود: آیـا نمی دانی، شـام عرفه خداونـد در میان فرشـتگان به آسـمان دنیا جلوه گری می کنـد و می فرمایـد: به بنـدگانم بنگریـد ژولیـده و غبـار آلوده نزد من آمـده انـد. پی درپی فرسـتاده ای دنبـال آنهـا فرسـتادم، اینک از من درخواست کردند و مرا خواندند، شما را شاهد می گیرم، بر من است که آنان را پاسخ گویم. امروز من نیکوکار آنان را شفیع گنهکارشـان قرار دادم، و عمل نیکوکار آنان را پـذیرفتم، پس آمرزیـده از این مکان کوچ کنیـد. سـپس خداونـد دو فرشـته را مأمور می کنـد تا بر مازمین(۱) ، هر یک بر جانبی بایسـتد، آن دو می گویند؛ خداوندا سـلامت بدار سـلامت بدار، برای همین [در میان آن جمعیت] شکسته عضو و افتاده ای یافت نمی شود.

همچنین دربارهٔ فضیلت و عظمت روز عرفه نقل شده است:

نَظَرَ عَلِیٌّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام یَومَ عَرَفَهَ إِلَی رِجالٍ یَسأَلُونَ النّاسَ فَقالَ: هؤُلاءِ شِرارُ مَن خَلَقَ اللّهُ؛ النَّاسُ مُقبِلُونَ عَلَی اللّهِ وَهُم مُقبِلُونَ عَلَی النَّاسِ(۲) ؛

ص:۴۴

۱- (۱)) . مأزم: راه باریک، مأزمین دو راه باریکی است که بر سر راه حجاج ازعرفات به منی قرار گرفته است.

۲- (۲)) عدّه الداعی، ۹۹؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۱ باب ۴۷ الوقوف بعرفات وفضله وعلله ح ۴۰.

در روز عرفه نگاه امام سجاد به عده ای افتاد که در حال گدایی بودند. آن حضرت فرمود: اینان بدترین مخلوقات خدایند؛ مردم رو به طرف خدا کرده اند و اینان به سوی مردم رو آورده اند.

سَمِعَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام یَومَ عَرَفَهَ سائِلًا یَسألُ النّاسَ، فَقالَ لَهُ: وَیحَکَ أَغَیرَ اللّهِ تَسأَلُ فِی هذَا الیَومِ؟ إِنَّهُ لَیُرجی لِما فِی بُطُونِ الحُبالَی فِی هذَا الیَومِ أَن یَکُونَ سَعِیداً(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام در روز عرفه شنید که گدایی، از مردم درخواست می کند، فرمود: وای بر تو آیا در این روز از غیر خدا درخواست می کنی؟ امروز روزی است که در آن امید است جنین های در شکم سعادتمند شوند.

ص:۴۵

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۱ باب فضائل الحج ح ۲۱۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۸ ح ۱ باب ۲۱ ابواب حج و وقوف لعرفه؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۲ باب ۴۷ الوقوف بعرفات وفضله وعلله ح ۹.

بزرگداشت حج گزاران

عن الصّادق علیه السلام قال: کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیهما السلام یَقُولُ:

یا مَعشَرَ مَن لَم یَحُجَّ! استَبشِرُوا بِالحاجِّ وَصافِحُوهُم وَعَظِّمُوهُم فَإِنَّ ذلِکَ یَجِبُ عَلَیکُم تُشارِکُوهُم فِی الأَجرِ(۱) ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی بن الحسین علیه السلام می فرمود:

ای گروهی که حج بجا نیاورده اید به [آمدن] حجاج شاد باشید و با آنان دست دهید و آنان را بزرگ دارید که این بر شما واجب است و با آنان در پاداش شریک خواهید شد.

ص:۴۶

۱- (۱)) کافی، ج ۴ ص ۲۶۴ باب فضل الحجّ والعمره و ثوابهما ح ۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۲۲۸ باب فضائل الحجّ ح ۲۲۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۷ ح ۲ ب ۵۵ ابواب آداب السفر إلی الحج.

دیدار حجّاج

عَن أبی عَبداللّه علیه السلام قالَ: کانَ عَلیّ بن الحُسَین علیه السلام یَقُول:

بادِرُوا بِالسَّلامِ عَلَی الحاجِّ وَالمُعتَمِرِ وَمُصافحَتِهِم مِن قَبلِ أَن تُخالِطَهُمُ الذُّنُوب(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام می فرمود: در سلام کردن (و رفتن به دیدار) حجاج و عمره گزاران سبقت گیرید پیش از آنکه به گناهان آلوده شوند.

ص:۴۷

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۲۷ ح ۱ ب ۵۵ ابواب آداب السفر الی الحج وغیره؛ ج ۱۱، ص ۴۴۵، باب استحباب المبادره بالسلام ح ۱۵۲۱۸؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۸۶ ح ۱۴.

رسیدگی به خانوادهٔ حج گزار

از مسائلی که در رابطه با حج گزاران مورد توصیه و سفارش قرار گرفته است؛ مراقبت از خانوادهٔ حج گزار و رسیدگی به امور آنان است که این کار علاوه بر دارا بودن پاداش رسیدگی به کار یک مؤمن، سبب آسودگی خاطر حج گزار خواهد بود.

قالَ عَلیٌّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام:

مَن خَلَّفَ حاجّاً فی أَهلِهِ وَمالِهِ کانَ لَهُ کَأجرِهِ حَتّیٰ کَأَنَّهُ یَستَلِمُ الأَحجارَ(۱) ؛

هر کس مراقب خانواده و دارایی حج گزار باشد پاداشی همانند حج گزار دارد به طوری که گویا سنگ های خانهٔ خدا را استلام می کند.

ص:۴۸

۱- (۱)) محاسن، ج ۱، ص ۱۴۷ ح ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۵ ح ۱ باب ۴۷ ابواب آداب السفر الی الحج؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸ باب فضائل الحج ح ۲۲۶۵؛ بحارالانوار، ج ۹۶ ص ۳۸۷ باب من خلف حاجاً فی أهله ح ۱.

فصل سوم: احکام حج در سخنان امام علیه السلام

اشاره

ص:۴۹

برای انجام هر عمل عبادی علاوه بر اخلاص در عمل که اساس عمل است، قوانین و احکامی باید مد نظر قرار گیرد تا عمل مطابق دستور الهی انجام شود، حج و عمره نیز همین گونه است، احادیث ارائه شده در این بخش ناظر به احکام فقهی است.

لازم به یادآوری است برای استفاده و عمل به احکام گوناگون حج و عمره هر مقلد به رساله و مناسک مرجع تقلید خود مراجعه می نماید.

(۲۷)

انجام قربانی کودک

كانَ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام يَضَعُ السِّكِّينَ فى يَدِ الصَّبِيِّ ثُمَّ يَقبِضُ عَلىٰ يَدَيهِ الرَّجُلُ فَيَذبَحُ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام (هنگام ذبح برای کودکان) چاقو را در دست کودک قرار می داد سپس ذابح دستان کودک را می گرفت و ذبح می کرد.

ص:۵۰

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۳۰۴ ضمن ح ۴، باب حج الصبیان والممالیک؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۰۸ ح ۴ باب ۱۷ ابواب اقسام الحج.

دفن مو در منا

کانَ عَلیٌّ بنُ الحُسَین علیه السلام یَدفِنُ شَعرَهُ فی فُسطاطِهِ بِمِنًی(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام موی خود را در خیمه خود در منی دفن می کرد.

لازم به ذکر است: مستحب است حاجی پس از حلق، موی خود را در منا دفن کند.

ص:۵۱

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۸۴ ح ۵ باب ۶ ابواب الحلق والتقصیر؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۴۲ ح ۸.

رمی جمره

عَن عَنبَسَةَ بنِ مُصعَبٍ قالَ رَأَیتُ أَبا عَبدِ اللّهِ علیه السلام بِمِنًی یَمشِی وَیَرکَبُ فَحَدَّثتُ نَفسی أَن أَسأَلَهُ حِینَ أدخُلُ عَلَیهِ فَابتَدَأَنِی هُوَ بِالحَدِیثِ فَقالَ:

إنَّ عَلِیَّ بنَ الحُسَینِ علیه السلام کانَ یَخرُجُ مِن مَنزِلِهِ ماشِیاً إذا رَمَی الجِمارَ وَمَنزِلِیَ الیَومَ أَنفَسُ مِن مَنزِلِهِ فَأَرکَبُ حَتّی آتِیَ مَنزِلَهُ فَإِذَا انتَهَیتُ إِلی مَنزِلِهِ مَشَیتُ حَتّی أَرمِیَ الجَمرَة(۱) ؛

عنبسه بن مصعب گوید: امام صادق علیه السلام را در منی دیدم که مقداری را پیاده می رفت و مقداری را سوار می شد، با خود گفتم: وقتی خدمتش شرفیاب شدم در این باره سؤال کنم [هنگام شرفیابی] حضرت ابتداءاً خود شروع به سخن کرده و فرمود: وقتی علی بن الحسین علیهما السلام برای رمی جمرات بیرون می آمد پیاده می رفت، و منزل من امروز از آن حضرت دورتر است. من سوار می شوم تا به جای منزل آن حضرت برسم از آن جا پیاده می روم و رمی می کنم.

ص:۵۲

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۴۸۵، ح ۳ باب الرمی عن العلیل والصبیان؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۷۴ ح ۲ ب ۹ ابواب رمی جمره عقبه؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۲۶۷ ح ۲۶.

فديۀ نجات از دوزخ

عَن أَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام قالَ: قالَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام فی حَدیث لَهُ:

إِذا ذَبَحَ الحاجُّ کانَ فَداهُ مِنَ النّارِ(۱) ؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: وقتی حاجی قربانی می کند، فدیه او در برابر آتش جهنم است.

ضمیمه

كفارۀ صيد

عن الزُّهرِی ِعَن عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ:

صَومُ جَزاءِ الصَّیدِ واجِبٌ، قالَ اللّهُ عزّوجلّ : «وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْکُمْ مُتَعَمِّداً فَجَزاءٌ مِثْلُ ما قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ یَحْکُمُ بِهِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ هَدْیاً بالِغَ الْکَعْبَهِ أَوْ کَفّارَهٌ طَعامُ مَساکِینَ أَوْ عَدْلُ ذلِکَ صِیاماً» (۲)

أوَ تَدری کَیفَ یَکُونُ عَدلُ

ذلِکَ صِیاماً یا زُهرِیُّ؟ قُلتُ: لا. قالَ: یُقَوَّمُ الصَّیدُ ثُمَّ تُفَضُّ تلک القیمَهُ عَلَی البُرِّ ثُمَّ یُکالُ ذلِکَ البُرُّ أصواعاً فَیَصُومُ لِکُلِّ نِصفِ صاعٍ یَوماً الخبر(۳) ؛

۱- ((۱)) محاسن، ج ۱، ص ۱۴۲ ح ۱۳۹. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۸۸ ح ۵۸.

۲- ((۲)) . مائده: ۹۵.

۳- ((۳)) کافی، ج ۴، ص ۸۳ باب وجوه الصوم ضمن ح ۱ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۷ باب وجوه الصوم ضمن ح ۱۷۸۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴۴ ح ۲۰۱؛ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۹ ح ۱ باب أنواع الصوم وأقسامه؛ ج ۹۶، ص ۱۵۰ ح ۸ باب الصید وأحکامه و ص ۱۵۷ ح ۴۹.

امام سجاد علیه السلام فرمود: روزهٔ کفارهٔ صید واجب است.

خداونـد تبارک و تعالی می فرمایـد: «و هر کس از شـما عمـداً شـکار را به قتل رساند باید کفاره ای معادل آن، از چهارپایان، بدهـد (کفاره ای) که دو نفر عادل از شـما؛ معادل بودن آن را تصـدیق کننـد و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسـد؛ یا (به جای قربانی) به مسـتمندان غذا دهد یا معادل آن را روزه بگیرد». زهری! می دانی روزه گرفتن معادل آن چگونه است؟ گفتم: نه. فرمود: شـکار را قیمت گذاری می کنند سپس قیمت آن را بر گندم تقسیم می کنند، و آن مقدار گندم را صاع صاع پیمانه می کنند و برای هر نصف صاع یک روز روزه می گیرند....

(۳۱)

شیوهٔ طواف

رَأَیتُ عَلیَّ بن الحُسَین علیه السلام یَمشی وَلا یَرمُلُ(۱) ؛

شخصی گوید: امام سجاد علیه السلام را مشاهده کردم که (در طواف) راه می رفت و از رمل(۲) پرهیز می کرد.

۱- ((۱)) وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۳ باب ۶۳ ما یجب فی الحج وما یحدث.

۲- ((۲)) رمل، راه رفتنی شبیه دویدن است که شانه ها تکان می خورد.

نگاه به کعبه هنگام نماز

کان علی بن الحسین علیهما السلام یقول:

یومَ عَرَفه یَومٌ لاـ یَسألُ فیه أحـدٌ، أحَـداً إلّااللّهُ. وَقالَ: إذا أحرَمْ الرَّجلُ فَناداهُ الرَّجُلُ فَلا یُجیبُهُ بِالتَّلبیَهِ؛ لأَنَّهُ قَدْ أجابَ اللّه بِالتَّلبِیَهِ فی الإحرام. وَإذا صَـلّی الرَّجُلُ فی المَسـجِدِ الحَرام، کانَ أفضَلُ خُشُوعِهِ أنْ یَنْظُرَ إلی الکَعْبَهِ، وَإذا صَلّی فی غَیرِ المَسْجِدِ الحَرام، کانَ أفضَلُ خُشُوعِهِ أنْ یَنْظُرَ إلی مَوضِعِ سُجُودِهِ، وَإذا کانَ مُقابِلَ الکَعْبَهِ، لَمْ یَجُز لَهُ أنْ یَحتَبِیَ وَهُوَ ناظِرٌ إلَیها(۱) ؛

امام سـجاد علیه السـلام می فرمود: روز عرفه هیچکس از کسـی جز خدا درخواست نکند، و فرمود: هنگامی که شـخص احرام بست و دیگری او را صـدا زد بـا تلـبیه پاسـخ او را نگویـد، زیرا در احرام بوسـیلهٔ تلبیه خـدا را پاسـخ گفته است و هنگـامی که شخص در مسجد الحرام نماز می خواند، بهترین خشوع آن است که به کعبه بنگرد و اگر در غیر مسجد الحرام نماز می گزارد بهترین خشوع آن است که به محلّ سـجده اش نگـاه کنـد و هنگامی که مقابل کعبه است شایسـته نیست در حالی که به کعبه نگاه می کند زانوها را به شکم بچسباند و بنشیند.

ص:۵۵

۱- (۱)) الأصول السته عشر من الأصول الأولیه، ص ۱۲۳، نوادر علی بن أسباط.

فصل چهارم: اسرار اعمال و دعاها

اشاره

ص:۵۷

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود تشریع اعمال و حرکات و اذکار در عبادات هر کدام به سببی است، و در پَس صورت ظاهری آن ها؛ که باید کامل و به صورت صحیح انجام شود، واقعیتی نهفته است و هر عمل دارای تأثیری ویژه در زندگی انسانها می باشد، برخی از روایات در بردارندهٔ سؤالاتی دربارهٔ سبب تشریع احکام است.

بزرگان؛ بیان این اسرار را از قبیل حکمت تشریع - نه علت آن - می دانند.

در این فصل برخی روایات نقل شده از امام سجاد علیه السلام دربارهٔ اسرار اعمال حج آورده شده است؛

حق حج

در رسالهٔ حقوق از امام سجاد علیه السلام دربارهٔ حج آمده است:

وَحَقُّ الحَجِّ أَن تَعلَمَ أَنَّهُ وِفادَةٌ إِلی رَبِّکَ وَفِرارٌ إِلَیهِ مِن ذُنُوبِکَ وَفِیهِ قَبُولُ تَوبَتِکَ وَقَضاءُ الفَرضِ الَّذی أَوجَبَهُ اللّهُ تَعالی عَلَیک(۱)
؛

امام سجاد علیه السلام فرمود: حق حج آن است که بدانی حج وارد شدن بر پروردگارت و فرار از گناهانت به سوی او است. و در حجّ توبه ات پذیرفته می شود و واجبی را که خداوند بر عهدهٔ تو گذارده است به جا می آوری.

ص:۵۹

۱- (۱)) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۰ ضمن ح ۳۲۱۷، باب الحقوق؛ خصال، ص ۵۶۶ باب الخمسین ومافوقه ضمن ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴ باب ۱ جوامع الحقوق ح ۱.

هفت دور طواف

عن أبی حَمزه الثُمالی عَن عَلیّ بنِ الحُسَینِ علیه السلام قالَ: قُلتُ لِأَیِّ عِلَّه صارَ الطَّوافُ سَبعَهَ أَشواطٍ؟ فَقالَ:

إنَّ اللّهَ قالَ لِلمَلائِکَهِ إنّی جاعِلٌ فِی الأَرضِ خَلیفَهً، فَرَدّوا عَلَیهِ وَقالُوا: أَ تَجعَلُ فِیها مَن یُفسِدُ فِیها وَیَسفِکُ الدِّماءَ؟ فَقالَ: إنِّی أَعلَمُ ما لاـ تَعلَمُونَ. وَکانَ لا یَحجُبُهُم عَن نُورِهِ، فَحَجَبَهُم عَن نُورهِ سَبعَهَ آلافِ عامٍ. فَلاذُوا بِالعَرشِ سَبعَهَ آلافِ سَنَهٍ، فَرَحِمَهُم وَتابَ عَلَیهِم، وَجَعَلَ لَهُمُ البَیتَ المَعمُورَ فِی السَّماءِ الرّابِعَهِ وَجَعَلَهُ مَثابَهً وَجَعَلَ البَیتَ الحَرامَ تَحتَ البَیتِ المَعمُورِ وَجَعَلَهُ مَثابَهً لِلنّاسِ وَأَمناً، فَصارَ الطَّوافُ سَبعَهَ أَشواطٍ واجِباً عَلَی العِبادِ لِکُلِّ أَلفِ سَنَهٍ شَوطاً واحِداً(۱) ؛

ص:۶۰

۱- (۱)) وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۴ ح ۲ ب ۱۹ ابواب الطواف؛ علل الشرائع، ص ۴۰۶ باب ۱۴۳ العله التی من أجلها صار الطواف سبعه اشواط ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۱۱ ص ۱۱۰ باب ۱ فضل آدم و حواء و بعض أحوالهما ح ۲۵؛ ج ۹۶، ص ۲۰۱ باب ۳۶ علل الطواف وفضله وأنواعه ح ۶.

ابی حمزهٔ ثمالی گوید از امام سجاد علیه السلام پرسیدم چرا طواف هفت دور [قرار داده] شد؟ امام علیه السلام فرمود: خداوند متعال به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشین قرار می دهم، آنان اعتراض کرده و گفتند: آیا کسی را که در زمین فساد و خونریزی می کند (خلیفه) قرار می دهی؟ خداوند فرمود: من چیزی می دانم که شما نمی دانید؛ و نور خود را هفت هزار سال از آنان پنهان داشت، حال آنکه پیش از آن، نورش را از فرشتگان نمی پوشانید، فرشتگان هفت هزار سال به عرش پناه بردند تا خداوند آنان را مورد رحمت قرار داد و توبهٔ آنان را پذیرفت، و بیت المعمور را در آسمان چهارم برایشان قرار داد و آن را محل بازگشت قرار داد. و بیت الحرام (کعبه) را زیر بیت المعمور [محاذی آن] قرار داد و آن را برای مردم محل بازگشت و مکانی ایمن قرار داد، بدین سبب طواف بر مردمان هفت دور، برای هر هزار سال یک دور، واجب گردید.

ص:۶۱

تفسیر دعای ابراهیم

عَن عَلِي بنِ الحُسَينِ عليه السلام؛ قَولُ إبراهيمَ: «رَبِّ اجعَل هذا بَلَداً آمِناً وَارزُق أَهلَهُ مِنَ الثَّمراتِ مَن آمَنَ مِنهُم بِاللّهِ»

إيّانا عَنى بِذلِکَ وَأَولِياءَهُ وَشيعَهَ وَصِيِّهِ قالَ : «وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَليلاً ثُمَّ أضطَرُّهُ إلى عَذابِ النّارِ وَبِئسَ المَصِيرُ» (۱)

قالَ: عَنَى بِذلِکَ مَن

جَحَدَ وَصِيَّهُ وَلَم يَتبَعْهُ مِن امَّتِهِ وَكَذلِکَ وَاللّهِ قالَ هذِهِ الآيَهُ [

وَكَذلِکَ وَاللّهِ حالُ هذِهِ الاُمَّهِ](۲) ؛

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: منظور ابراهیم از این سخن «پروردگارا این شهر را ایمن قرار ده و اهالی آن؛ کسانی را که به خداوند ایمان آورده اند از میوه ها روزی ده»، ما و دوستدارانش و پیروان وصی اوست.

ص:۶۲

۱- ((۱)) . بقره، ۱۲۶.

۲- ((۲)) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵۹ من سوره البقره ح ۹۶ و ج ۲، ص ۱۶۴ من سوره هود ح ۸۲ و ح ۸۴؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۸۴ باب ۸ فضل مکّه وأسمائها وعللها ح ۴۳.

خداونـد فرمود: «و آنـان که کافر شدنـد پس آنان را بهره کمی خواهم داد و سـپس آنان را به عـذاب آتش که بـد سـرانجامی است می کشانم» منظور از آن کسانی که وصی او را انکار کردند و او را پیروی نکردند بودند. و به خدا قسم حال این امت نیز چنین است.

ص:۶۳

حرمت ولایت

عَن أَبانِ بنِ تَغلِبَ قالَ: لَمّا هَدَمَ الحَجّاجُ الكَعبَهَ فَرَّقَ النّاسُ تُرابَها فَلَمّا صارُوا إِلى بِنائِها فَأَرادُوا أَن يَبنُوها خَرَجَت عَلَيهِم حَيَّةٌ فَمَنَعَتِ النّاسَ البِناءَ حَتّى هَرَبُوا فَأَتَوُا الحَجّاجَ فَأَخبَرُوهُ فَخافَ أَن يَكُونَ قَد مَنَعَ بِناءَها، فَصَعِدَ المِنبَرَ ثُمَّ نَشَدَ النّاسَ وَقالَ انشِدُ اللّهَ عَبداً عِندَهُ مِمّا ابتُلِينا بِهِ عِلمٌ لَمّا أخبَرنا بِهِ، قالَ: فَقامَ إِلَيهِ شَيخٌ فَقالَ: إِن يَكُن عِندَ أحَدٍ عِلمٌ فَعِندَ رَجُلٍ رَأَيتُهُ جاءَ إِلَى الكَعبَهِ فَأَخَذَ مِقدارَها ثُمَّ مَضى. فَقالَ الحَجّاجُ: مَن هُوَ قالَ: عَلِيَّ بن الحُسَينِ عليه السلام فَقالَ: مَعدِنُ ذلِكَ. فَبَعَثَ إِلى عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما فَأَتاهُ فَأَخبَرَهُ ما كانَ مِن مَنعِ اللّهِ إِيّاهُ البِناءَ. فَقالَ لَهُ عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ عليه السلام: يا حَجّاجُ عَمَدتَ إِلى بِناءِ إِبراهِيمَ وَإِسماعيلَ فَأَلقَيتَهُ فِى الطَّرِيقِ وَانتَهَبتَهُ كَأَنَّكَ تَرَى أَنَّهُ تُراثٌ لَكَ، اصعَدِ المِنبَرَ وَانشُدِ النّاسَ أَن لا يَبقى أَحَدٌ مِنهُم أَخَذَ مِنهُ شَيئاً إِلّا رَدَّهُ. قالَ:

فَفَعَلَ فَأَنشَدَ النّاسَ أَن لا يَبقى مِنهُم أَحَدٌ عِندَهُ شَيءٌ إِلّا رَدَّهُ. قالَ:

فَرَدُّوهُ، فَلَمّا رَأى جَمعَ التُّرابِ أَتى عَلِيُّ بنُ الحُسَينِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِما فَوَضَعَ الأَساسَ وَأَمَرَهُم أَن يَحفِرُوا. قالَ: فَتَغَيَّبَت عَنهُمُ

الحَیَّهُ وَحَفَرُوا حَتّی انتَهَوا إِلی مَوضعِ القَواعِدِ. قالَ لَهُم عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام: تَنَحَّوا، فَتَنَحَّوا. فَدَنا مِنها فَغَطّاها بِثَوبِهِ ثُمَّ بَکی ثُمَّ غَطّاها بِالتُّرابِ بِیَدِ نَفسِهِ ثُمَّ دَعَا الفَعَلَهَ فَقالَ: ضَعُوا بِناءَکُم فَوَضَعُوا البِناءَ فَلَمّا ارتَفَعَت حیطانُها أَمَرَ بِالتُّرابِ فَقُلِّبَ فَأُلقِیَ فی جَوفِهِ فَلِذلِکَ صارَ البَیتُ مُرتَفِعاً یُصعَدُ إِلَیهِ بِالدَّرَجِ(۱) ؛

ابان بن تغلب گوید: وقتی حجّاج خانهٔ خدا را خراب کرد، مردم خاکهای آن را بردند، وقتی به محل کعبه آمدند و خواستند آن را بازسازی کنند، ماری بیرون آمد و از ساخت و ساز مردم جلوگیری کرد؛ به گونه ای که فرار کردند. نزد حجاج آمدند و به او خبر دادند و حجاج ترسید که مبادا این اتفاق سبب جلوگیری از ساختن کعبه شود. او بر منبر رفت و در میان مردم ندا داد و گفت: قسم می دهم اگر کسی دربارهٔ این گرفتاری ما چیزی می داند به ما هم بگوید. پیرمردی برخاست و گفت: اگر کسی

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۲۲۲ ح ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۳۲ ح ۱ باب ۱۲ ابواب مقدمات الطواف وما یتبعها؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳ باب علل الحج ذیله؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۱۱۵ باب ۸ أحوال أهل زمانه من الخلفاء ح ۱؛ ج ۹۶، ص ۵۲ باب ۵ الکعبه وکیفیه بنائها وفضله ح ۱.

در این باره چیزی بداند همان است که دیدم به سوی کعبه آمد، اندازهٔ آن را گرفت و رفت. حجاج گفت: او کیست؟ گفت: او علی بن الحسین علیه السلام است. حجّاج گفت: او معدن این کار است و نزد امام علیه السلام فرستاد. امام علیه السلام آمد. حجاج داستان جلوگیری خداوند از ساختن کعبه توسط او را گفت، امام علی بن الحسین علیه السلام به او فرمود: ای حجاج! می خواهی ساختمانی که به دست ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا شده است را بسازی، اما آن را در میان راه انداخته ای و غارت کرده ای، گویا آن را میراث خود می دانی. بر منبر برو و اعلام کن هیچ کس نباشد که چیزی از کعبه برداشته است مگر اینکه آن را برگرداند. حجاج همین کار را کرد و اعلام داشت، کسی نباشد که چیزی از کعبه نزدش باشد مگر آن که باز گرداند و مردم باز گرداندند. وقتی دید خاک ها جمع شد، امام علی بن الحسین علیه السلام آمد، بنیان را نهاد و دستور داد تا بکَنَنْد. مار ناپدید شد، و آن ها کندند تا به پایه های کعبه رسیدند، امام علیه السلام فرمود: کنار روید، آن ها کنار رفتند. حضرت نزدیک پایه ها شد و آن را با جامه خویش پوشانید و گریست

سپس آن ها را به دست خویش با خاک پوشاند. و پس از آن به کارگرها دستور داد بنایتان را بسازید، آن ها ساختند. وقتی دیوارهای آن بالا رفت، دستور داد آن خاک ها را آماده کردند و در درون آن ریختند. برای همین بیت اللّه مرتفع شد و با پلکان ها از آن بالا می روند.

(۳۶)

دعا در برابر ناودان

عَن أَبی عَبدِاللّهِ علیه السلام قالَ کانَ عَلِیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام إِذا بَلَغَ الحِجرَ قَبلَ أَن یَبلُغَ المِیزابَ یَرفَعُ رَأسَهُ ثُمَّ یَقُولُ

:اللّهُمَّ أدخِلنِی الجَنَّهَ بِرَحمَتِکَ – وَهُوَ یَنظُرُ إِلَی المِیزابِ – وَأجِرنِی بِرَحمَتِکَ مِنَ النّارِ وَعافِنِی مِنَ السُّقمِ وَأَوسِع عَلَیَّ مِنَ الرِّزقِ الحَلالِ وَادرَأ عَنِّی شَرَّ فَسَقَهِ الجِنِّ وَالإِنسِ وَشَرَّ فَسَقَهِ العَرَبِ وَالعَجَمِ(۱) ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام وقتی به حجر اسماعیل می رسید قبل از رسیدن به ناودان، سر خود را بالا می برد و در حالی که به ناودان نگاه می کرد می فرمود: خدایا با رحمت خود مرا به بهشت داخل نما، و با رحمتت مرا از آتش دوزخ پناه ده، و از بیماری عافیتم بخش، و از روزی حلال بر من وسعت ده و شرّ بدکاران جن و انس و بدکاران عرب و غیر عرب را از من دور کن.

ص:۶۸

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۴۰۷ ح ۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۵ ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱۶ ح ۵ باب ۲۰ ابواب الطواف.

دعا در کنار ملتزم

قالَ أَبُو عَبدِاللّهِ علیه السلام: إِنَّ عَلیَّ بنَ الحُسَینِ إِذا أَتی المُلتَزَمَ قالَ:

اللّهُمَّ إِنَّ عِندِی أَفواجاً مِن ذُنُوبٍ وَأَفواجاً مِن خَطایا وَعِندَکَ أَفواجٌ مِن رَحمَهٍ وَأَفواجٌ مِن مَغفِرَهٍ یا مَنِ استَجابَ لِأبغَضِ خَلقِهِ إِلَیهِ إِذ قالَ «أَنظِرنی إِلی یَومِ یُبعَثُونَ»

،استَجِبْ لی وَافعَل بی کَذا وَکَذا(۱) ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امام سجاد به نزد ملتزم می آمد، می گفت: بار الها! همانا نزد من فوج هایی از گناه و فوج هایی از اشتباه است، و نزد تو فوج هایی از رحمت و فوج هایی از بخشش است. ای کسی که (دعا را) برای مبغوض ترین مخلوقاتش مستجاب گردانید، آن هنگام که گفت: مرا تا روز قیامت مهلت بده، (دعایم را برایم) مستجاب کن و برای من چنین و چنان کن [و حاجت های خود را بخواهد].

۱- (۱)) تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۴۱ من سوره الحجر ح ۱۲؛ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۶ باب ۳۵ واجبات الطواف وآدابه ح ۹.

دعا در حجر اسماعیل

عَن طاووسٍ الفَقیهِ قالَ: رَأَیتُ فی الحِجرِ زَینَ العابِدینَ علیه السلام یُصَلِّی وَیَدعُو:

عُبَیدُکَ بِبابِکَ، أَسِیرُکَ بِفِنائِکَ، مِسکِینُکَ بِفِنائِکَ، سائِلُکَ بِفِنائِکَ، یَشکُو إِلَیکَ ما لا یَخفی عَلَیکَ.

وَفی خَبَرٍ لا تَرُدَّنی عَن بابِکَ(۱) ؛

طاووس فقیه گوید: امام زین العابدین علیه السلام را در حجر اسماعیل دیدم که نماز می خواند و دعا می کرد: بندۀ کوچک تو به در خانۀ توست، اسیر تو در آستان توست، فقیر تو در آستان توست، درخواست کننده ات در آستان توست، از چیزی که بر تو پوشیده نیست شکوه می کند - و در روایتی آمده است -: مرا از در خانه ات مران.

ص:۷۰

۱- (۱)) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۴۸ فصل فی زهده علیه السلام؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۷۸ باب ۵ مکارم أخلاقه وعلمه ح ۷۵؛ ج ۹۶، ص ۱۹۶ باب ۳۵ واجبات الطواف وآدابه ح ۱۰؛ مطالب السئول، ج ۲، ص ۹۵.

در کنار کعبه

عَنِ الأَصمَعی قالَ: کُنتُ أطُوفُ حَولَ الکَعبَهِ لَیلَهً، فَإذا شابٌّ ظَریفُ الشَّمائِلِ وَعَلَیهِ ذُؤابَتانِ وَهُوَ مُتَعَلِّقٌ بِأَستارِ الکَعبَهِ وَهُوَ یَقُولُ:

نـامَتِ العُیُونُ وَعَلَتِ النُّجُومُ وَأَنتَ [المَلِکُ] الحَیُّ القَیُّومُ، غَلَّقَتِ المُلُوکُ أَبوابَهـا وَأَقـامَت عَلَیهـا حُرّاسَـها وَبابُکَ مَفتُوحٌ لِلسّائِلِینَ جِئتُکَ لِتَنظُرَ إلَیَّ بِرَحمَتِکَ

یا أَرحَمَ الرّاحِمِینَ ثُمَّ أَنشَأَ یَقُولُ:

اصـمعی گفت: شبی به دور کعبه طواف می کردم به جوانی بـا شـمایل زیبـا که دو طرهٔ مو داشت برخوردم. به پرده هـای کعبه چسبیـده بود و می گفت: چشـمها به خواب رفت و سـتاره ها بالا رفتنـد [و در وسط آسـمان قرار گرفتنـد] و [خدایا] تو پادشاه زنـدهٔ برپادارنـده هر چیز هستی. پادشاهـان درها را بسـتند و نگاهبانان بر آن گماردنـد امّا در تو برای درخواست کننـدگان باز است، آمدم تا با رحمت خود به من بنگری. ای که از همه رحمتگران رحمتت بیشتر است، سپس می گفت:

«ای کسی که دعای بیچاره را در تاریکی ها مستجاب می گردانی!

ای که برطرف کنندهٔ خسارت و بلا و مرض هستی

زُوّارت همگی در اطراف بیت به خواب رفته اند و این تنها تویی، ای پایدارِ بر پادارنده، که نخوابیده ای!

ص:۷۲

خدایا دعایی می کنم که تو دستور دادی، خدایا به حق بیت و حرم بر گریه ام ترحم کن!

اگر گنهکار به بخشش تو امید نداشته باشد، پس چه کسی نعمت ها را به گنهکاران عطا کند؟»

اصمعی گوید: به دنبال آن جوان رفتم، دیدم او زین العابدین علیه السلام است.

ص:۷۳

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله

پس از حج و عمره از سنن و مستحبات سفارش شده، زیارت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود هرکس به حج آید و به زیارت من نیامد به من جفا کرده است:

عَن عَلیِّ بنِ جَعفَرٍ عَن أَخِیهِ أَبِی الحَسَنِ مُوسی عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ علیهما السلام قالَ کانَ أَبِی عَلیُّ بنُ الحُسَینِ علیه السلام یَقِفُ عَلی قَبرِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَیُسَلِّمُ عَلَیهِ وَیَشهَدُ لَهُ بِالبَلاغِ وَیَدعُو بِما حَضَرَهُ ثُمَّ یُسنِدُ ظَهرَهُ إِلَی المَروَهِ الخَضراءِ الدَّقِیقَهِ العَرضِ مِمّا یَلی القَبرَ وَیَلتَزِقُ بِالقَبرِ وَیُسنِدُ ظَهرَهُ إِلَی القَبرِ وَیَستَقبِلُ القِبلَهَ فَیَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِلَیکَ أَلجَأتُ ظَهرِی وَإِلی قَبرِ مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَرَسُولِکَ أَسنَدتُ ظَهری وَالقِبلَهَ الَّتی رَضِیتَ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله استَقبَلتُ، اللَّهُمَّ إِنِّی أَصبَحت لا أَملِکُ لِنَفسی خَیرَ ما أَرجُو وَلا أَدفَعُ عَنها شَرَّ ما أَحذَرُ عَلَیها وَ أصبَحت الأُمُورُ بِیَدِکَ فَلا فَقیرَ أَفقَرُ مِنّی، إِنّی لِما أَنزَلتَ إِلَیَّ مِن خَیرٍ فَقیرٌ، اللَّهُمَّ اردُدنی مِنکَ بِخَیرٍ فَإِنَّهُ لا رادَّ لِفَضلِکَ، اللَّهُمَّ إِنّی أَعُوذُ بِکَ مِن أَن تُبَدِّلَ اسمی أَو تُغَیِّرَ جِسمی أَو تُزِیلَ نِعمَتَکَ عَنّی اللَّهُمَّ کَرِّمنی بِالتَّقوی وَجَمِّلنی بِالنِّعَمِ وَاغمُرنی بِالعافِیَهِ وَارزُقنی شُکرَ العافِیَهِ(۱) ؛

ص:۷۴

۱- (۱)) کافی، ج ۴، ص ۵۵۱ ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۷ باب کیفیه زیاره النبی علیه السلام وآدابها ح ۲؛ بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۳ باب ۲ زیارته علیه السلام من قریب وما یستحب ح ۲۰؛ کامل الزیارات، ۱۶ الباب الثالث ح ۳؛ وص ۱۹ ح ۸.

امام موسی بن جعفر از پدرش از جدّش علیهم السلام نقل می کند که فرمود: پدرم امام علی بن الحسین علیه السلام بر سر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می داد و به ابلاغ رسالت شهادت می داد و دعاهایی که به یادداشت می خواند، سپس به سنگ سبز رنگ که عرض باریکی داشت پشت می داد و به قبر می چسبید و رو به قبله می گفت: بار الها، به سوی تو پشت خود را پناه دادم [بر تو تکیه کردم] و به قبر محمّد صلی الله علیه و آله بنده و فرستادهٔ تو تکیه دادم و به قبله ای که برای محمّد صلی الله علیه و آله پسندیدی رو کردم، خداوندا من به گونه ای شده ام که بر نیکی که امید دارم، توانایی ندارم و توانایی راندن بدی که از آن پرهیز می کنم را ندارم، همهٔ کارها به دست توست. هیچ فقیری فقیرتر از من نیست، من به خیری که بر من فرود می فرستی نیازمندم. بار الها! مرا از سوی خود به نیکی باز گردان که کسی را یارای باز گرداندن فضل تو نیست. خداوندا! به تو پناه می برم از اینکه نامم را یا جسم مرا تغییر دهی یا نعمت خود را از من زایل گردانی. خداوندا! مرا با تقوا ارجمند گردان و با نعمت ها زیبا گردان و مرا در عافیت فرو بَر و به من شکرگزاری عافیت را روزی گردان.

ص:۷۵

حدیث شبلی

لَمّا رَجَعَ مَولانا زَینُ العابِدِینَ علیه السلام مِنَ الحَجِّ استَقبَلَهُ الشِّبلِیُّ، فَقالَ علیه السلام لَهُ:

حَجَجتَ یا شِبلیُّ؟ قالَ: نَعَم یَابنَ رَسُولِ اللّهِ فَقالَ علیه السلام:

أنزلت المِیقاتَ وَتَجَرَّدتَ عَن مَخیطِ الثِّیابِ وَاغتَسَلتَ؟ قالَ: نَعَم.

قالَ: فَحینَ نَزَلتَ المِیقاتَ نَوَیتَ أَنَّکَ خَلَعتَ ثَوبَ المَعصِیَهِ وَلَبستَ ثَوبَ الطّاعَهِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَحینَ تَجَرَّدتَ عَن مَخیطِ ثِیابِکَ نَوَیتَ أَنَّکَ تَجَرَّدتَ مِنَ الرِّیاءِ وَالنِّفاقِ وَالدُّخُولِ فی الشُّبُهاتِ؟ قالَ:

لا. قالَ: فَحینَ اغتَسَلتَ نَوَیتَ أَنَّکَ اغتَسَلتَ مِنَ الخَطایا وَالذُّنُوبِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَما نَزَلتَ المِیقاتَ وَلا تَجَرَّدتَ عَن مَخیطِ الثِّیابِ وَلا اغتَسَلتَ. ثُمَّ قالَ: تَنَظَّفتَ وَأَحرَمتَ وَعَقَدتَ بِالحَجِّ؟ قالَ: نَعَم. قالَ فَحینَ تَنَظَّفتَ وَأَحرَمتَ وَعَقَدتَ الحَجَّ نَوَیتَ أَنَّکَ تَنَظَّفتَ بِنُورَهِ التَّوبَهِ الخالِصَهِ لِلّهِ تَعالی؟ قالَ: لا. قالَ: فَحینَ أَحرَمتَ نَوَیتَ أَنَّکَ حَرَّمتَ عَلی نَفسِکَ کُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَّمَهُ اللّهُ عزّ وجلّ؟ قالَ: لا.

هنگامی که مولای ما امام سجاد علیه السلام از حج بازگشت شبلی(۱)

۱- (۱)) . معروف این است که حدیث پیش گفته را شبلی از امام چهارم علیه السلام نقل کرده است، اما برخی در انتساب این سخنان به امام علیه السلام هم از جهت راوی این سخنان و هم از جهت نوع گفتار اشکال کرده اند.در برابر، عده ای نیز در صدد پاسخ به این ایرادها برآمده اند: این اشکالات عبارت اند از: افراد متعدد به نام شبلی ملقب بوده اند که نزدیکترین آنان به عصر ائمه علیهم السلام (ابوبکر دلف بن جحدر) است که تقریباً دو قرن پس از شهادت امام سجاد علیه السلام به دنیا آمده است. پس شبلی هر کدام که باشند نمی تواند مستقیماً از امام علیه السلام روایت کند، از سوی دیگر این روایت سبک و سیاق سخنان ائمه علیهم السلام را ندارد و ممکن است سخن برخی از عرفا باشد که به امام نسبت داده شده است. دیگر اینکه ترتیب اعمال حج در این حدیث مطابق ترتیب فقهی آن نیست.علامه جوادی آملی در پاسخ آورده اند: در این گونه روایات که با سایر معارف هماهنگ بوده و مخالف نیست، کاستی در سند مانع استفاده از متن بلند و نورانی آن نیست و عدم هماهنگی ترتیب مناسک به دلیل این است که امام علیه السلام درصدد بیان احکام مناسک و تکالیف ظاهری حج گزاران نبوده اند (ر. ك: جرعه ای از صهبای حج: ص ۱۷۱-۱۷۲).درباره اشکال نبودن راوی به نام شبلی در میان معاصرین آن حضرت علیه السلام برخی گفته اند: بسا شبلی در نوشتن این گونه نوشته شده واصل آن (شیبه) بن نعامه بوده است که نام او در میان اصحاب حضرت سجاد علیه السلام ذکر شده است (جهاد الامام السجاد، ص ۱۷۵).

به استقبال آن حضرت رفت. امام سجاد علیه السلام به او فرمود: شبلی! آیا حج به جا آوردی؟ گفت: بلی، یابن رسول اللّه!

امام علیه السلام فرمود: به میقات آمدی و جامه های دوخته را درآوردی و غسل کردی؟ گفت: بلی.

فرمود: هنگام آمدن در میقات، آیا نیّت داشتی که جامهٔ گناه را بیرون آورده و جامهٔ طاعت می پوشی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگـام برهنه شـدن از جـامه هـای دوخته ات، نیّت داشتی که از ریـا و نفاق و ورود در کارهای شـبهه ناک برهنه می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام غسل کردن، نیّت آن داشتی که خود را از لغزشها و گناهان شستشو می دهی؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه به میقات آمده ای و نه از جامه های دوخته عاری شده و نه غسل کرده ای.

ص:۷۸

سپس فرمود: آیا نظافت کردی و احرام پوشیدی و پیمان حج بستی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگـام نظافت و پوشـیدن احرام و بسـتن پیمان حـج، آیا نیّت آن داشتی که با داروی توبـهٔ خالص برای خـدای متعال خود را [از گناه] پاک می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام محرم شدن، آیا نیّت داشتی که هر آنچه خداوند عزّ وجلّ حرام کرده بر خود حرام می کنی؟ گفت: نه.

ص:۷۹

قالَ: فَحينَ عَقَدتَ الحَجَّ نَويتَ أَنَّكَ قَد حَلَلتَ كُلَّ عَقدٍ لِغَيرِ اللّهِ؟ قالَ: لا. قالَ لَهُ علیه السلام: ما تَنَظَّفتَ وَلا أَحرَمتَ وَلا عَقَدتَ الحَجَّ.

قالَ لَهُ: أَدَخَلتَ المِيقاتَ وَصَلَّيتَ رَكعَتيِ الإِحرامِ وَلَبَّيتَ؟ قالَ: نَعَم.

قالَ: فَحينَ دَخَلتَ المِيقاتَ نَويتَ أَنَّكَ بِنِيَّهِ الزِّيارَهِ؟ قالَ: لا. قالَ:

فَحينَ صَلَّيتَ الرَّكعَتَينِ نَويتَ أَنَّكَ تَقَرَّبتَ إِلَى اللّهِ بِخَيرِ الأَعمالِ مِنَ الصَّلاهِ وَأَكبَرِ حَسَناتِ العِبادِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَحينَ لَبَّيتَ نَويتَ أَنَّكَ نَطَقتَ لِلّهِ سُبحانَهُ بِكُلِّ طاعَهٍ وَصُمتَ عَن كُلِّ مَعصِيَهٍ؟ قالَ: لا.

قالَ لَهُ علیه السلام: ما دَخَلتَ المِيقاتَ وَلا صَلَّيتَ وَلا لَبَّيتَ. ثُمَّ قالَ لَهُ:

أَدَخَلتَ الحَرَمَ وَرَأَيتَ الكَعبَهَ وَصَلَّيتَ؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَحينَ دَخَلتَ الحَرَمَ نَوَيتَ أَنَّكَ حَرَّمتَ عَلى نَفسِكَ كُلَّ غِيبَهٍ تَستَغيبُهَا المُسلِمينَ مِن أَهلِ مِلَّهِ الإِسلامِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَحينَ وَصَلتَ مَكَّهَ نَويتَ بِقَلبِكَ أَنَّكَ قَصَدتَ اللّهَ؟ قالَ: لا. قالَ علیه السلام: فَما دَخَلتَ الحَرَمَ وَلا رَأَيتَ الكَعبَهَ وَلا صَلَّيتَ.

فرمود: به هنگام بستن پیمان حج آیا نیّت داشتی که هر پیمان غیر الهی را می گشایی [و آن را پوچ می دانی]؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه نظافت کرده ای و نه محرم شده ای و نه پیمان حج بسته ای.

امام علیه السلام به او فرمود: به میقات داخل شدی و دو رکعت نماز احرام گزاردی و لبیک گفتی؟ گفت: آری.

فرمود: آیا به هنگام داخل شدن میقات نیّت داشتی که برای زیارت داخل می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام گزاردن دو رکعت نماز آیا نیّت داشتی که به سبب بهترین اعمال و بزرگترین حسنات بندگان، که نماز است، به خدا نزدیک می شوی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام لبیک گفتن، آیا نیّت داشتی که به اطاعت خدا، سخن می گویی و از هر معصیت سکوت می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: [بنا بر این] نه به میقات داخل شده ای و نه نماز گزارده ای و نه لبیک گفته ای.

سپس به او فرمود: آیادر حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز گزاردی؟ گفت: بله.

فرمود: وقتی داخل حرم شدی، آیا نیّت داشتی که هر غیبتی که نسبت به مسلمانان می کنی را بر خود حرام کنی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگامی که به مکّه رسیدی، آیا در دل نیّت کردی که خدا مقصود توست؟ گفت: نه.

فرمود: پس نه در حرم داخل شده ای و نه کعبه را دیده ای و نه نماز خوانده ای.

ص:۸۱

ثُمَّ قالَ: طُفتَ بِالبَيتِ وَمَسَستَ الأركانَ وَسَعَيتَ؟ قالَ: نَعَم.

قالَ عليه السلام: فَحينَ سَعَيتَ نَويتَ أَنَّكَ هَرَبتَ إِلَى اللّهِ وَعَرَفَ مِنكَ ذلِكَ عَلّامُ الغُيُوبِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَما طُفتَ بِالبَيتِ وَلا مَسَستَ الأَركانَ وَلا سَعَيتَ. ثُمَّ قالَ لَهُ: صافَحتَ الحَجَرَ وَوَقَفتَ بِمَقامِ إِبراهِيمَ عليه السلام وَصَلَّيتَ بِهِ رَكعَتَينِ؟ قالَ: نَعَم. فَصاحَ عليه السلام صَيحَةً كادَ يُفارِقُ الدُّنيا ثُمَّ قالَ: آه آه ثُمَّ قالَ عليه السلام: مَن صافَحَ الحَجَرَ الأَسوَدَ فَقَد صافَحَ اللّهَ تَعالى، فَانظُر يا مِسكِينُ لا تُضَيِّع أَجرَ ما عَظُمَ حُرمَتُهُ وَتَنقُضِ المُصافَحَةَ بِالمُخالَفِهِ وَقَبضِ الحَرامِ نَظيرَ أَهلِ الآثامِ. ثُمَّ قالَ عليه السلام:

نَوَيتَ حينَ وَقَفتَ عِندَ مَقامِ إِبراهيمَ عليه السلام أَنَّكَ وَقَفتَ عَلى كُلِّ طاعَةٍ وَتَخَلَّفتَ عَن كُلِّ مَعصِيَةٍ؟ قالَ: لا.

سپس فرمود: آیا طواف خانه کردی و ارکان را لمس نمودی و سعی کردی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام سعی آیا نیّت آن داشتی که [از شرّ شیطان و نفس اماره] به خدا پناه می بری و او که آگاه به نهان هاست به این نیّت تو آگاه است؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین نه طواف خانه کرده ای و نه ارکان را لمس نموده ای، و نه سعی کرده ای.

سپس امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا با حجر الاسود مصافحه کردی و نزد مقام ابراهیم ایستادی و دو رکعت نماز خواندی؟ گفت: بله.

[آنگاه] امام صیحه ای زد که نزدیک بود از دنیا رود. سپس فرمود: آه. آه، هر کس با حجر الاسود مصافحه کند با خداوند متعال مصافحه کرده است. ای بیچاره! بنگر پاداش چیزی که احترام آن بزرگ است را ضایع نگردانی و مصافحهٔ خود را با مخالفت و گرفتن حرام، مانند گنهکاران، نشکنی.

سپس فرمود: وقتی نزد مقام ابراهیم ایستادی، آیا نیّت داشتی که بر سر هر فرمانی [از خدا] ایستاده ای و از هر معصیتی سرپیچی می کنی؟ گفت: نه.

ص:۸۳

قالَ: فَحينَ صَـلَّيتَ فيهِ رَكعَتَينِ نَوَيتَ أَنَّکَ صَـلَّيتَ بِصَـلاهِ إبراهيمَ عليه السلام وَأَرغَمتَ بِصَلاتِکَ أَنفَ الشَّيطانِ؟ قالَ: لا. قالَ لَهُ: فَما صافَحتَ الحَجَرَ الأَسوَدَ وَلا وَقَفتَ عِندَ المَقام وَلا صَـلَّيتَ فِيهِ رَكعَتَين. ثُمَّ قالَ عليه السـلام لَهُ: أَشـرَفتَ عَلى بِئرِ زَمزَمَ وَشَـرِبتَ مِن مائِها؟ قالَ: نَعَم. قالَ: نَوَيتَ أَنَّکَ أَشـرَفتَ عَلَى الطّاعَهِ وَغَضَـضتَ طَرفَکَ عَنِ المَعصِـيَهِ؟ قالَ: لا. قالَ عليه السلام: فَما أَشرَفتَ عَلَيهـا وَلا شَـرِبتَ مِن مائِهـا ثُمَّ قالَ لَهُ عليه السـلام: أَسَـعَيتَ بَينَ الصَّفا وَالمَروَهِ وَمَشَـيتَ وَتَرَدَّدْتَ بَينَهُما؟ قالَ: نَعَم. قالَ لَهُ: نَوَيتَ أَنَّکَ بَينَ الرَّجاءِ وَالخَوفِ؟ قالَ: لا. قالَ: فَما سَعَيتَ وَلا مَشَيتَ وَلا تَرَدَّدتَ بَينَ الصَّفا وَالمَروَهِ ثُمَّ قالَ:

أَخَرَجتَ إِلى مِنًى؟ قالَ: نَعَم. قالَ: نَوَيتَ أَنَّکَ أَمِنتَ النّاسَ مِن لِسانِکَ وَقَلبِکَ وَيَدِکَ؟ قالَ: لا. قالَ: فَما خَرَجتَ إِلى مِنًى.

ص:۸۴

فرمود: هنگـامی که در آن جـا دو رکعت نمـاز گزاردی، آیـا نیّت داشتی که نمـاز ابراهیم را آن جا می گزاری و با نمازِ خود، بینی شیطان را بر خاک می مالی؟ گفت: نه.

امام به او فرمود: پس با حجر الاسود مصافحه نکرده ای و نزد مقام ابراهیم نایستاده ای و آنجا دو رکعت نماز نخوانده ای.

سپس فرمود: آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب زمزم خوردی؟ گفت: بله.

فرمود: آیا نیّت داشتی که بر سر فرمانبرداری از خدا رفته ای و چشم خود را بر معصیت بسته ای؟ گفت: نه.

فرمود: پس بر سر زمزم نرفته ای و از آب آن نخورده ای.

سپس به او فرمود: آیا میان صفا و مروه سعی کردی و راه رفتی و میان آن دو تردّد نمودی؟ گفت: بله.

فرمود: آیا نیّت داشتی که تو میان خوف و رجا هستی؟ گفت: نه.

فرمود: پس میان صفا و مروه سعی نکرده ای و راه نرفته ای و تردّد ننموده ای.

سپس فرمود: آیا [از مکّه] به سوی منی خارج شدی؟ گفت:

بله. فرمود: آیا نیّت داشتی که مردم را از زبان و قلب و دستت در امان داری؟ گفت: نه.

فرمود: پس به سوی منیٰ خارج نشده ای.

ص:۸۵

ثُمَّ قـالَ لَهُ: أَوَقفتَ الوَقفَهَ بِعَرَفَهَ وَطَلَعتَ جَبَلَ الرَّحمَهِ وَعَرَفتَ وادِیَ نَمِرَهَ وَدَعَوتَ اللّهَ سُبحانَهُ عِنـدَ المِیـلِ وَالجَمَراتِ؟ قـالَ: نَعَم. قالَ: هَل عَرَفتَ بِمَوقِفِکَ بِعَرَفَهَ مَعرِفَهَ اللّهِ سُبحانَهُ أمرَ المَعارِفِ وَالعُلُومِ وَعَرَفتَ قَبضَ اللّهِ عَلی صَحیفَتِکَ وَاطِّلاعَهُ عَلی سَریرَتِکَ وَقَلبِکَ؟ قالَ: لا. قالَ: نَوَیتَ بِطُلُوعِکَ جَبَلَ الرَّحمَهِ أَنَّ اللّهَ یَرحَمُ کُلَّ مُؤمِنٍ ومُؤمِنَهٍ وَیَتوَلّی کُلِّ مُسلِمٍ ومُسلِمَه؟ قال: لا. قالَ:

فَنَویتَ عِنـدَ نَمِرَه أنَّکَ لا تـأمُر حَتّی تَـأتَمِر وَلا تَزجُر حَتّی تنزجر؟ قـال: لا. قالَ: فَعِنـدَما وَقَفتَ عِنـدَ العَلَمِ وَالنَمراتِ، نَوَیتَ أَنَّها شاهِدَهٌ لَکَ عَلَی الطّاعاتِ، حافِظَهٌ لَکَ مَعَ الحَفَظَهِ بِأمرِ رَبِّ السَّماواتِ؟ قالَ:

لا. قالَ: فَما وقفتَ بِعَرَفَهِ وَلا طَلَعتَ جَبَلَ الرَّحمَهِ وَلا عَرَفتَ نَمِرَهَ وَلا دَعَوتَ وَلا وَقَفْتَ عِندَ النَمِراتِ.

ص:۸۶

سپس فرمود: آیا در عرفات وقوف کردی و بر جبل الرحمه بالا رفتی و وادی (نمره) را شناختی و نزد میل و جمرات، خدا را خواندی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام وقوف در عرفات، آیا حق معرفت خداوند سبحان را ادا کردی؟ و به معارف و علوم الهی پی بردی و دانستی که با تمام وجود در قبضه قدرت خدا هستی و او بر نهان کار تو و خفایای قلب تو آگاه است؟ گفت: نه.

فرمود: با قرار گرفتن بر جبل الرّحمه آیا نیّت داشتی که خدا هر مرد و زن مؤمنی را مورد رحمت قرار می دهد و سرپرستی هر زن و مرد مسلمان را عهده دار می شود؟ گفت: نه.

فرمود: آیا در نمره در دل داشتی که تا خود امر الهی را اطاعت نکنی، دیگران را امر نکنی و تا نهی الٰهی را ترک نکنی نهی ننمایی؟ گفت: نه.

فرمود: وقتی نزد (علم) و (نمرات) وقوف کردی، نیت داشتی که آن دو شاهد اطاعت های تو هستند و همراه فرشتگان نگهبان به امر پروردگار آسمانها، حافظ تو می باشند؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین، نه در عرفات وقوف کرده ای و نه بر جبل الرحمه بالا رفته ای و نه نمره را شناخته ای و نه نزد نمرات وقوف داشته و نه خدا را خوانده ای.

ص:۸۷

ثُمَّ قالَ: مَرَرتَ بينَ العَلَمَينِ وَصَلَّيتَ قبلَ مُرورِكَ رَكعَتَينِ، وَمَشَيتَ بِمُزدلَفَهِ، وَلَقَطتَ فيها الحَصىٰ وَمَرَرْتَ بِالمَشعَرِ الحَرام؟ قالَ: نَعَم. قالَ: فَحينَ صَلَّيتَ رَكعَتَينِ، نَوَيتَ أنَّها صلاه شُكرٍ فى لَيْلَهِ عَشْر تَنفى كُلَّ عُسرٍ وتُيسّر كُلَّ يسر؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما مَشَيْتَ بينَ العَلَمينِ وَلَم تَعدِل عَنهُما يَميناً وَشِمالاً نَوَيتَ أَنْ لا تَعدِلَ عَن دين الحَقِّ يَميناً وَشِمالاً لا بِقلبِكَ وَلا بِلِسانِكَ وَلا بِجَوارِحكَ؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما مَشَيتَ بِمُزدَلفَهِ، وَلَقَطتَ مِنها الحَصىٰ نَوَيتَ أَنَّكَ رَفعتَ عَنْكَ كُلَّ مَعصِيَهٍ وَجَهلٍ وَثَبَّتَ كُلَّ علمٍ وعملٍ؟ قال: لا. قالَ: فَعِندَما مَرَرتَ بِالمَشعَرِ الحَرامِ، نويتَ أَنَّكَ أشعَرتَ قَلْبَكَ إِشعارَ أهلِ التَّقوىٰ وَالخوفَ لِلّهِ عزّ وجلّ؟ قالَ: لاً.

قالَ: فَما مَرَرتَ بِالعَلَمينِ وَلا صَلَّيتَ رَكعَتَين وَلا مَشَيتَ بِالمُزدَلفَهِ وَلا رَفَعتَ مِنها الحَصىٰ وَلا مَرَرْتَ بِالمَشعَرِ الحَرامِ. ثُمَّ قالَ لَهُ:

وَصَلْتَ مِنىٰ وَرَمَيتَ الجَمرَهَ وَحَلَقتَ رَأسَكَ وَذَبَحْتَ هَدْيَكَ وَصَلَّيتَ فى مَسجِدِ الخيفِ، وَرَجَعتَ إِلىٰ مَكَّه وطُفتَ طوافَ الإفاضَهِ؟ قالَ: نعم.

سپس امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا از میان دو عَلَم عبور کردی و پیش از گذر، دو رکعت نماز گزاردی و آیا بر زمین مزدلفه راه رفتی و سنگ ریزه برچیدی؟ و آیا بر مشعر الحرام گذر کردی؟ گفت: آری.

فرمود: به هنگام گزاردن دو رکعت نماز، آیا نیّت آن داشتی که آن نماز شکر در شب دهم است و هر مشکلی را برطرف می کند و هر کاری را آسان می سازد؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام راه رفتن میان دو عَلَم و مراقبت بر عدم انحراف به راست و چپ، آیا نیّت داشتی که از دین حق - نه با قلب و نه با زبان و نه با اعضای بدنت - به راست و چپ منحرف نشوی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام راه رفتن بر زمین مزدلفه و وقتی سنگریزه ها را بر می چیدی، نیّت داشتی که هر گناه و نادانی را از خود برمی گیری و هر علم و عملی را بر خود ثابت می کنی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگام گذر بر مشعر الحرام، نیّت داشتی که قلب خود را به شعار تقوی و خوف خداوند عزّ وجلّ مُشعر می داری؟ گفت: نه.

فرمود: بنابراین، نه بر دو عَلَم گذشته ای و نه دو رکعت نماز را گزارده ای، نه بر مزدلفه راه رفته ای و نه سنگریزه از آن برچیده ای و نه بر مشعر الحرام گذر کرده ای.

سپس فرمود: آیا به منیٰ رسیدی و رمی جمره کردی و سر تراشیدی و قربانی کردی و در مسجد خیف نماز به جا آوردی و به مکه باز گشتی و طواف افاضه (بازگشت) به جا آوردی؟ گفت: آری.

قالَ: فنويتَ عندَ ما وَصَلْتَ مِنىً، وَرميتَ الجِمارَ أَنَّكَ بَلَغتَ إلىٰ مَطلَبِكَ وَقد قَضىٰ رَبُّكَ لَكَ كُلَّ حاجَتِكَ؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما رَمَيتَ الجِمارَ نَوَيتَ أَنَّكَ رَمَيتَ عَدُوَّكَ إبليسَ وَغَضِبْتَهُ بِتَمامِ حَجِّكَ النَّفيس؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما حَلَقتَ رَأسَكَ، نَوَيتَ أَنَّكَ تَطَهَّرتَ مِنَ الأَدْناسِ وَمِنْ تَبِعَةِ بَنی آدَم وَخَرَجتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَما وَلَدَتكَ أُمُّكَ؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما صَلَّيتَ فی مَسجِدِ الخيفِ، نَوَيتَ أَنَّكَ لا تَخافُ إلّا اللّهَ عزّ وجلّ وَذَنبَكَ وَلا تَرجُو إلّا رَحمَةَ اللّهِ تَعالىٰ؟ قالَ: لا. قالَ: فَعِندَما ذَبَحتَ هَدْيَكَ نَوَيتَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ حَنجِرَةَ الطَّمَعِ بِما تَمَسَّكتَ بِهِ مِنْ حَقيقَةِ الوَرَعِ وَأَنَّكَ اتَّبَعتَ سُنَّةَ إبراهيم عليه السلام بِذبحِ وَلَدِه وَثَمَرَةِ فُؤادِهِ وَريحانِ قَلبِه وحاجه(۱) سنّته

لمن بَعدَهُ وَقرَّبهُ إلى اللّه تَعالىٰ لِمَنْ خَلفَهُ؟ قالَ: لا.

ص:۹۰

۱- (۱)) . فی هامش المستدرک، ص ۱۷۱: کذا فی المخطوط، والظاهر أنّ صوابه «وأحییت».

فرمود: هنگـامی که به منیٰ رسـیدی و رمی جمرات کردی، نیّت داشتی که به خواسـته ات رسـیدی و خداونـد هر حاجت تو را برآورده است؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگـام رمی جمرات، آیـا نیّت داشتی که دشـمن خود - ابلیس - را رمی می کنی و بـا پایـان دادن به حـج ارزشـمند خود، بر شیطان خشم گرفته ای؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام سـر تراشـیدن، نیّت داشتی که از تمام پلیـدی ها و از تبعات (گناه) آدمیان پاک می شوی و همچون روزی که مادر تو را زائید از گناهان بیرون می روی؟ گفت: نه.

فرمود: هنگـام نمـاز گزاردن در مسـجد خیف، نیّت داشتی که جز خـدای عزّ وجـلّ و گناهانت از کسـی نهراسـی و جز رحمت خداوند متعال به چیزی امید نبندی؟ گفت: نه.

فرمود: به هنگام ذبـح قربانی خود آیا نیّت آن داشتی که با تمسّک به حقیقت پارسایی، گلوی طمع را می بُری و سنّت ابراهیم علیه السـلام را پیروی می کنی که با سـر بریـدن فرزنـد و میوه دل و آرام جان خود سنّت بنـدگی و تقرّب به خداوند متعال را برای آیندگان پس از خود پایه گذاشت؟ گفت: نه.

ص:۹۱

قالَ: فَعِنـدَما رَجَعتَ إلىٰ مَكّه وطُفتَ طَوافَ الإفاضَهِ، نَوَيتَ أَنَّکَ أفَضتَ مِن رَحمَهِ اللّهِ تَعالىٰ وَرَجَعتَ إلى طاعَتِهِ وَتَمَسَّکتَ بِوُدِّهِ وَأدَّيتَ فَرائِضَهُ وَتَقرَّبتَ إلى اللّهِ تعـالىٰ؟ قالَ: لا. قالَ لَهُ زَينُ العابِدين عليه السـلام: فَما وصـلتَ مِنىٰ وَلا رميتَ الجِمارَ وَلا حَلَقتَ رَأسَـکَ ولا أدّيتَ نُسـکَک ولا صَـلَّيتَ فى مَسـجِدِ الخيفِ وَلا طُفتَ طَوافَ الإفـاضَهِ وَلا تَقَرَّبتَ، إرجِع. فَإِنَّکَ لَمْ تَحُجّ. فَطَفِقَ الشِبلى يَبکى عَلىٰ ما فَرَّطَهُ فى حَجِّهِ وَما زال يَتَعَلَّمُ حَتّىٰ حَجَّ مِنْ قابِلٍ بِمَعرِفَهٍ وَيَقينٍ(۱) ؛

۱- (۱)) مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶ ح ۵ باب ۱۷ ابواب العود الى منى.

فرمود: هنگـامی که به مکّه بـاز گشتی و طواف افاضه به جا آوردی، آیا نیّت داشتی که کوچ تو از روی رحمت خداونـد متعال بوده و اکنون به طاعت او باز گشته ای و به دوستی او تمسّک جسته ای وواجبات او را ادا کرده ای و به خدا نزدیک شده ای؟ گفت: نه. آنگاه امام زین العابـدین علیه السـلام به او فرمود: نه به منی رسـیده ای و نه رمی جمرات کرده ای و نه سـر تراشـیده ای، و نه فرائض حـج را به جـا آورده ای و نه در مسـجد خیـف نمـاز گزارده ای و نه طواف افـاضه انجـام داده ای و نه به قرب الهی رسیده ای. باز گرد که [به حقیقت]، حج نکرده ای.

شبلی به خاطر کوتاهی در حجّ خود شـروع به گریه کرد و پیوسته یاد می گرفت تا سال آینده با معرفت و یقین، حجّ خود را به جا آورد.

ص:۹۳

کتابنامه:

١ -. الاربعون حديثاً؛ الشيخ البهايی، مؤسسه النشر الاسلامی، ١۴١۵ ق.

٢ -. الارشاد؛ ابی عبداللّه محمد بن محمد بن النعمان العکبری - المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید ١۴١٣ ق.

٣ -. الاصول السته عشر من الاصول الاولیه؛ دارالشبستری للمطبوعات، قم ١۴٠۵ ق.

۴ -. امالی الصدوق؛ الشیخ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ١۴٠٠ ق، ١۴١۶ ق.

۵ -. أمالی الطوسی؛ شیخ أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، مکتبه الداوری.

۶ -. بحارالانوار (١-.١١٠)؛ العلامه محمد باقر المجلسی مؤسسه الوفا، بیروت، ١۴٠٣.

٧ -. تفسیرالعیاشی؛ محمد بن مسعود بن عیاش السّلمی السمرقندی؛ المکتبه الاسلامیه تهران.

٨ -. تهذیب الاحکام؛ شیخ الطائفه أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، دارالکتب الاسلامیه تهران.

٩ -. ثواب الاعمال؛ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مکتبه الصدوق ١٣٩١ ق.

١٠ -. جامع الاخبار؛ محمد بن محمد السبزواری، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث قم، ١۴١۴.

١١ -. جرعه ای از صهبای حج؛ آیه اللّه عبداللّه جوادی آملی.

١٢ -. جهاد الامام السجّاد علیه السلام؛ السید محمد رضا الحسینی الجلالی، مؤسسه دارالحدیث الثقافیه، ١۴١٨ ق.

١٣ -. الخصال؛ الشیخ ابی جعفر بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین قم، ١۴١۶ ق.

١۴ -. روضه الواعظین؛ محمد بن الفتال النیشابوری، منشورات الشریف الرضی، ١٣۶٨.

١۵ -. سنن ابن ماجه (١-.٢)؛ محمد بن یزید القزوینی ابن ماجه، دارالفکر.

١۶ -. عده الداعی و نجاح الساعی؛ احمد بن فهد الحلی، دارالکتاب الاسلامی، ١۴٠٧ ق.

۱۷ -. علل الشرایع؛ الشیخ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، منشورات المکتبه الحیدریه نجف ۱۳۸۵ ق.

۱۸ -. عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ (۱-.۲) الشیخ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، منشورات المطبعه الحیدریه، - النجف، ۱۳۹۰ ه.

۱۹ -. فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب فی الاستخارات؛ السید ابی القاسم علی بن موسی بن طاووس، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۲۲ ه.

۲۰ -. الکافی؛ ثقه الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.

۲۱ -. کامل الزیارات؛ شیخ ابی القاسم جعفربن محمد بن قولویه، مکتبه المرتضویه النجف الاشرف، ۱۳۵۶ ق.

۲۲ -. کشف الغمه فی معرفه الائمه مترجم (۴-.۱)؛ شیخ ابی الحسن علی بن عیسی الاربلی، دارالکتاب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۲۳ -. لسان العرب (۱-.۱۵)؛ ابن منظور، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ ق.

۲۴ -. مستدرک الوسائل (۲۷-.۱)؛ الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث - قم؛ ۱۴۰۷ ق.

۲۵ -. المحاسن؛ احمدبن محمد بن خالد البرقی؛ المعاونیّه الثقافیه للمجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام قم، ۱۴۱۳ ق.

۲۶ -. مطالب السئول؛ کمال الدین محمد بن طلحه الشافعی، مؤسسه ام القری للتحقیق و النشر، ۱۴۲۰ ق.

۲۷ -. مکارم الاخلاق؛ (۱-.۲) الشیخ ابی نصر الحسن بن الفضل، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۲۵ ق.

۲۸ -. مناقب آل ابی طالب؛ ابی جعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب، انتشارات علامه قم.

۲۹ -. من لایحضره الفقیه؛ للشیخ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، منشورات جامعه المدرسین؛ قم، ۱۴۱۴ ق.

۳۰ -. نهج البلاغه؛ محمد دشتی، نشر مشرقین، زمستان ۷۹.

۳۱ -. وسایل الشیعه؛ الشیخ محمد بن حسن الحر العاملی، مکتبه الاسلامیه طهران، ۱۳۸۱ ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹